

نشریه بیست و  
هشتمین جشنواره  
بین‌المللی تئاتر فجر

شماره سوم  
هشتاد و هشت

۴ بهمن ۱۳۸۸

# تئاتر



محمدحسین ایمانی خوشخو  
معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

دستاوردهای جشنواره  
تئاتر کشور را توسعه می‌دهد

کاندیداهای بخش  
مسابقه پوستر تئاتر  
معرفی شدند

محمدحسین ناصر بخت، مدیر بخش  
پژوهش و انتشارات جشنواره تئاتر فجر

۳۰ درصد پیشرفت در  
بخش پژوهش و انتشار

معرفی برگزیدگان مسابقه عکس  
بیست و هشتمین جشنواره تئاتر فجر



## مدیران فرهنگی و هنری در دومین روز جشنواره



نمایش «مشدی عباد» به کارگردانی جنت سلیم آوا دیدن کردند. در دیگر تالارهای نمایش نیز چهره‌های سرشناس هنر دیده می‌شدند. نمایش «بلوط‌های تلخ» در اجرای اول تالار مولوی میزبان دکتر مجید سرسنگی، علی مودنی و جمع زیادی از هنرمندان بود. در بین تماشاگران تالار سنگلج گلاب آدینه و شیرین بینا حضور داشتند. در این روز استقبال گسترده تماشاگران از نمایش «رمولوس کبیر» و حضور خبرنگاران در دو نمایش تماشاخانه ایران‌شهر چشمگیر بود.

نمایش «خنکای ختم خاطر» در تماشاخانه ایران‌شهر با بازدید محمدحسین ایمانی خوشخو (معاون هنری وزیر ارشاد)، محمدعلی خبری (مدیرکل دفتر موسیقی)، گلاب آدینه، شیرین بینا، حسین مسافر آستانه و محمد حیدری و گروه‌های نمایش انگلستان، قبرس، ایتالیا و چند گروه خارجی دیگر اجرا شد. تالار وحدت در دومین روز جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر میزبان احمد مسجدجامعی، عضو کمیسیون فرهنگی شورای شهر تهران، سفیر آذربایجان در ایران و هیأت همراه ایشان بود که از

## در شرایط خوب کاربرد نمی‌توان کرد

علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده



سال‌ها پیش استادی داشتم از بلاد فرنگ که همواره تاکید می‌کرد تمام وظایف محوله را خودتان انجام دهید، هیچ یک از وظایف خود را به دیگری نسپردید و اگر سپردید حتی اگر بهترین دوستان بود، نتیجه کار را با دقت کنترل کنید تا ناگهان در پایان کار با خطا، کاستی و خسارت مواجه نشوید. بعد از دو سال که تقریباً هفته‌ای یک بار این سخن را از استاد می‌شنیدیم و البته عمل می‌کردیم متوجه شدم استاد بر هیچ نکته دیگری به اندازه این جمله تاکید ندارد، بالاخره از او دلیل این همه تاکید را پرسیدم. کمی طفره رفت، بعد دقایقی مکث کرد و گفت: «دلیل این همه تاکید این است که می‌دانم در شرایط بد، کار خوب نمی‌توان کرد». شنیدن این جمله آنچنان تصاویر متعددی از تجربه عملی همین پند را جلوی چشمانم قطار کرد که عمیقاً معنی آن را درک کردم. حالا سال‌ها از آن روز گذشته، استاد به وطنش بازگشته و همقطاران هریک مثل دیگران در گوشه‌ای مشغولند با این تفاوت که به دلیل عمل کردن به پند استاد، زندگی‌شان با رنجی دائمی همراه است. رنج داشتن تعهد و انجام وظایف به نحو احسن در شرایطی که افراد معدودی برای کیفیت و تعهد و ارزش قائل هستند و اینکه هر جا و در هر جایگاهی که هستی باید به اندازه تمام همکاران و نیروهای تحت مدیریتت، انرژی بگذاری تا کارها به نحو احسن انجام شود، باید کیفیت کار انجام شده را برای مدیران مافوق و مخاطبین اثر توضیح بدهی چون کمتر کسی است که برای صحت، دقت و زمان‌بندی انجام کار و کیفیت ارزش قائل باشد. بدتر این که در این شرایط به محض اینکه دیگران از وجود این روحیه در تو باخبر شوند دیگر حتی از ارائه خدماتی که جزو وظایف بدیهی آنها است دریغ می‌کنند، چون می‌دانند تو به هر قیمتی شده کارت را به درستی انجام می‌دهی و اینگونه است که مرور این مناسبات برایت رنجی دائمی را رقم می‌زند که گریزی از آن نیست. دیگر بودجه‌ات از دیگران هم کمتر می‌شود، امکانات محدودتر می‌شود، توقعات بالا می‌رود، اما سخن استاد را فراموش نمی‌کنی.

در همین احوال اگر در حوزه‌ای قرار بگیری که دنیای دغدغه‌هایت باشد، همه چیز تغییر می‌کند و دیگر شرایط بد هم خوب است. تئاتر برای ما چنین تعبیری دارد؛ دنیای دغدغه‌های جدی است. برای تماشای تئاتر، نوشتن نمایشنامه، کارگردانی، بازی و ... و مثل امروز اگر پا بدهد، انتشار نشریه روزانه مهم‌ترین جشنواره تئاتر کشور. در همه این موارد شرایط بد هم خوب است و وقتی در این فضا نفس می‌کشی ناخواسته جای کلمات جمله استاد اینگونه عوض می‌شود: «در شرایط خوب، کار بد نمی‌توان کرد.» ما هم تلاش کردیم چنین باشد. انشاءا...

## «لیرشاه» و «مشدی عباد» در صدر امتیازهای مردمی



تماشاگران؛ برحسب دو شاخصه ظرفیت سالن و تعداد مخاطب، با معیارهای خوب، متوسط و ضعیف و با سقف امتیازدهی ۵ انجام می‌شود.



در روز دوم جشنواره، «لیرشاه» و «مشدی عباد» همچنان صدرنشین امتیازات مردمی بودند. این نظرسنجی توسط ستاد جمع‌آوری آرای

امتیاز	کارگردان	نمایش‌های ایرانی
۴/۲	آرش دادگر	لیرشاه
۴/۱	نیما دهقان	خنکای ختم خاطر
۳/۲	نادر برهانی‌مرد	رمولوس کبیر
۲/۴	حسین پاکدل	رقص زمین
۱/۴	محمد عرب‌اسدی	وضعیت پایانی
امتیاز	کارگردان	نمایش‌های خارجی
۲/۱	جنت سلیم‌آوا	مشدی عباد
۱/۸	اشتفان وایلند	آخرین پر سیمرغ
۰/۱	آلوارو آرکوس	هفت علیه تب



تئاتر

نشریه بیست و هشتمین  
جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

مدیرمسئول: حسین پارسایی

سرمدبیر: علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده

معاون سردبیر: مریم فلاح

دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: عباس عبدالعلی‌زاده

مدیر هنری: علی رستگار

تحریریه: زهرا شایانفر، رضا آشفته، احمد محمداسماعیلی، علی شمس، بهاره برهانی،

سید محسن حسن‌زاده، احسان هوشیارگر، محمدحسین لوانسانی و سمیرا محمدی

معرفی آثار: رضا آشفته، سید محسن حسن‌زاده

ویراستار: محمد عبدعلی

برگردان به انگلیسی: منور خلج

برگردان به فارسی: حسین شاکری

صفحه‌آرا: مهدی میرحسینی

عکس: حسن هندی

با همکاری: امیر خلوصی و اکبر ترابی

با همراهی: مسعود پاکدل، محمدرضا سلطانی

عکس روز: رضا معظریان

با همکاری: میلاد پیامی، اختر تاجیک، مهدی حسینی، روفه رستمی، ناصر

عرفانیان، مانی لطفی‌زاده، رضا موسوی و احمد نشان

آرشیو عکس: محمد تهرانی

امور انفورماتیک: مهدی عبدالعلی‌زاده

نمونه‌خوانی و تصحیح: ساعد وثوقی با همکاری فریبا ولی‌نژاد، معصومه مهدوی و

بهناز ولی‌نژاد

حروف‌نگار: ساناز صالحی، علیرضا حسین‌زاده‌نیازی

ناظر چاپ: محمد علی بهستانی

لیتوگرافی و چاپ: گنجینه هنر

با سپاس از همکاری: جلال تجنگی، محمد اطیابی و محمدرسول صادقی

سایت ایران تئاتر: [www.theater.ir](http://www.theater.ir)

سایت بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی فجر: [www.fitf.ir](http://www.fitf.ir)

## امروز و فردا با جشنواره

یکشنبه ۸۸/۱۱/۴

**تالار وحدت** (۱۹:۰۰) «دزدآب» هادی مرزبان (میهمان) ۹۵ دقیقه.

**تالار اصلی** (۱۹:۰۰) «ما همه اهل یک محله‌ایم» رضا صابری (میهمان / مشهد) ۱۰۰ دقیقه.

**تالار چهارسو** (۱۸:۳۰ / ۲۱:۰۰) «عشق لرزه» سهراب سلیمی (مرور تئاتر تهران در سال ۸۸ و مسابقه بین‌الملل) ۹۰ دقیقه.

**تالار قشقای** (۱۷:۰۰ / ۲۰:۰۰) «اتللو» عاطفه تهرانی (تجربه‌های نو) ۸۰ دقیقه.

**تالار سایه** (۱۷:۳۰ / ۲۰:۰۰) «شمشیرهای ژنرال» مسعود موسوی (چشم‌انداز تئاتر ایران در سال ۸۹) ۵۵ دقیقه.

**کارگاه نمایش** (۱۶:۰۰ / ۱۹:۰۰) «دویدن با زخم کف‌پا» علی نرگس‌نژاد (میهمان) ۷۰ دقیقه.

**تماشاخانه سنگلج** (۱۸:۰۰ / ۲۰:۳۰) «و خدا گفت» آورا سیددیروپولو (میهمان بین‌الملل / یونان) ۸۰ دقیقه.

**تالار مولوی** (۱۷:۳۰ / ۱۹:۳۰) «جای پای خالی» عبدالمحمد سالاری (برگزیدگان مناطق / بندر لنگه) ۵۰ دقیقه.

**خانه نمایش اداره تئاتر** (۱۸:۳۰) «دخترای ننه دریا» مریم شوقی (جشنواره جشنواره‌ها) ۴۰ دقیقه.

**تماشاخانه مهر حوزه هنری** (۱۷:۰۰) «گلف» نعمت زمان‌پور (جشنواره جشنواره‌ها / مسجد سلیمان) ۶۵ دقیقه.

**تالار شماره یک تماشاخانه ایرانشهر** (۲۰:۰۰ / ۲۳:۳۰) «هفت علیه تب» آوارو آرکوس (تئاتر ملل / کلمبیا) ۵۰ دقیقه.

**تالار شماره دو تماشاخانه ایرانشهر** (۲۱:۰۰ / ۱۸:۳۰) «پروانه‌ها» فرانتسکو گاندی و داوید وتورینی (مسابقه بین‌الملل / ایتالیا) ۵۰ دقیقه.

**پارکینگ تالار وحدت** (۲۰:۳۰) «فانتومیستری» کارگروهی تئاتر نورگوفرون (مسابقه بین‌الملل / چک) ۶۰ دقیقه.

**تالار کنفرانس مجموعه تئاتر شهر** (۱۵:۰۰) «دستان دوشیزگان» شکوفه آروین (نمایشنامه‌خوانی) ۴۵ دقیقه.

**تالار استاد انتظامی خانه هنرمندان** (۱۸:۰۰) «یک اجرای شنیدنی» آشا محرابی (راديو تئاتر) ۶۰ دقیقه.

**محوطه تئاتر شهر** (۱۸:۳۰ / ۱۹:۰۰) «تلاطم امواج» بهرام ریحانی، «به سرعت‌گیر نزدیک می‌شوید» مهدی حبیبی و «معضل» محمد زارع‌زاده (خیابانی، منتخب جشنواره‌ها)

**محوطه تئاتر شهر** (۱۶:۳۰ / ۱۷:۰۰) «عشق + عشق» مسعود محرابی و «انسان هسته‌ای» شاهد پیوند (خیابانی، بخش ویژه انقلاب اسلامی).

**بوستان باغ هنر** (۱۶:۳۰ / ۱۷:۰۰) «فرشته‌ها می‌آیند» رسول حق‌شناس، «تیک تاک ۱۵:۰۰» «فرشته‌ها می‌آیند» رسول حق‌شناس، «تیک تاک تیپ‌تاپ»، مهدی اصغری «الگوی مصرف»، علی رحیمی و «شما چی می‌گید؟» سامان خلیلیان (خیابانی)

**خانه هنرمندان، سالن نیلوفر** (۹:۰۰ تا ۱۵:۳۰) کارگاه «افسانه و اسطوره تئاتر» مدرس: راجر مک‌کن از انگلستان

**تالار وحدت، طبقه هفتم** (۱۰:۰۰ تا ۱۲:۰۰) کارگاه «ماسک شخصیت» مدرس: برایان دالی از کانادا

**تالار وحدت** (۱۸:۳۰) حسن سرچاهی

**تالار اصلی** (۱۸:۳۰) محمدرضا معجونی

**تالار چهارسو** (۲۰:۳۰) محمدرضا معجونی

**تماشاخانه سنگلج** (۱۷:۳۰) ابوالفضل ورمزیار

دوشنبه ۸۸/۱۱/۵

**تالار وحدت** (۱۹:۰۰) «دزدآب»، هادی مرزبان (مهمان) ۹۵ دقیقه.

**تالار اصلی** (۱۹:۰۰) «مترسک دره جنیان»، هادی نامور (چشم‌انداز تئاتر ایران در سال ۸۹ / گرگان) ۹۵ دقیقه.

**تالار چهارسو** (۲۱:۰۰ / ۱۸:۳۰) «ساعت صفر»، آتیلا پسپانی (مهمان بین‌الملل و تجربه‌های نو) ۵۰ دقیقه.

**تالار قشقای** (۱۷:۰۰ / ۲۰:۰۰) «خانه»، کیورث مرادی (مرور تئاتر تهران در سال ۸۸ و مسابقه بین‌الملل) ۹۰ دقیقه.

**تالار سایه** (۱۷:۳۰ / ۲۰:۰۰) «پری خوانی عشق و سنگ»، چیستا یثربی (چشم‌انداز تئاتر ایران در سال ۸۹) ۶۰ دقیقه.

**کارگاه نمایش** (۱۶:۰۰ / ۱۹:۰۰) «فیل»، بهناز نازی (مهمان) ۷۰ دقیقه.

**تماشاخانه سنگلج** (۱۸:۰۰ / ۲۰:۳۰) «و خدا گفت»، آورا سیددیروپولو (مهمان بین‌الملل / یونان) ۸۰ دقیقه.

**تالار مولوی** (۱۷:۳۰ / ۱۹:۳۰) «مکبث»، رضا ثروتی (جشنواره جشنواره‌ها و مسابقه بین‌الملل) ۶۵ دقیقه.

**خانه نمایش اداره تئاتر** (۱۸:۳۰) «اوزاز»، امین آبان (مرور تئاتر تهران در سال ۸۸) ۵۰ دقیقه.

**تالار هنر** (۱۸:۳۰) «مینیونه»، آنایشسکینا (مهمان بین‌الملل / روسیه) ۶۰ دقیقه.

**تماشاخانه مهر حوزه هنری** (۱۷:۰۰) «گاو میش»، حامد مهینی (جشنواره جشنواره‌ها / خارک) ۶۰ دقیقه.

**تالار شماره یک تماشاخانه ایرانشهر** (۲۰:۰۰ / ۱۷:۳۰) «منظومه شخصی»، مهدی امین‌لاری (مرور تئاتر شهرستان انگلستان)

**تالار شماره دو تماشاخانه ایرانشهر** (۱۸:۳۰) «بابل»، یوزف مارکوکی (مسابقه بین‌الملل / لهستان) ۷۰ دقیقه.

**تالار فردوسی** (۱۸:۳۰) «پرای مولوی»، بهروز غریب‌پور (مهمان بین‌الملل) ۱۱۰ دقیقه.

**پارکینگ تالار وحدت** (۲۰:۳۰) «فانتومیستری»، کارگروهی تئاتر نوگوفرون (مسابقه بین‌الملل / چک) ۶۰ دقیقه.

**تالار کنفرانس مجموعه تئاتر شهر** (۱۵:۰۰) «تاک‌های بلور»، هوشنگ فضلی (نمایشنامه‌خوانی) ۹۰ دقیقه.

**تالار استاد انتظامی خانه هنرمندان** (۱۸:۰۰) «یک اجرای شنیدنی»، آشا محرابی (راديو تئاتر) ۶۰ دقیقه.

**محوطه تئاتر شهر** (۱۸:۳۰ / ۱۹:۰۰) «تلاطم امواج»، بهرام ریحانی، «به سرعت‌گیر نزدیک می‌شوید» مهدی حبیبی و «معضل» محمد زارع‌زاده (خیابانی، منتخب جشنواره‌ها)

**محوطه تئاتر شهر** (۱۶:۳۰ / ۱۷:۰۰) «کانال کمیل»، حمیدرضا نوری و «شما چی می‌گید؟»، سلمان خلیلیان (خیابانی، بخش ویژه انقلاب اسلامی).

**بوستان باغ هنر** (۱۶:۳۰ / ۱۷:۰۰) «عشق + عشق» مسعود محرابی، «گرگور»، عبدالحیات، «از سفید تا خط خطی»، سروش پیمبری و «غنی»، جمشید عسگری (خیابانی).

**خانه هنرمندان، سالن نیلوفر** (۹:۰۰ تا ۱۵:۳۰) کارگاه «افسانه و اسطوره تئاتر»، مدرس: راجر مک‌کن از انگلستان.

**تالار وحدت** (۱۸:۳۰) محسن میرزاعلی

**تالار اصلی** (۱۸:۳۰) سید بابا حیدری

**تالار چهارسو** (۲۰:۳۰) ابوالفضل ورمزیار

**تماشاخانه سنگلج** (۱۷:۳۰) مرشد احدی

## کاندیداهای بخش مسابقه پوستر تئاتر معرفی شدند



**هیأت داوران بخش مسابقه پوستر تئاتر شامل علی رفیعی، بهرام کلهرنیا و مسعود سپهر، ۸ کاندیدای دریافت جایزه این بخش را معرفی کردند.**

به این ترتیب، همایون غنی‌زاده با پوستر «آگامنون»، مهدی پاکدل با پوستر «خواب بی‌وقت حوریه»، یحیی پاکدل با پوستر «کرگدن»، مهدی رایگانی با پوستر «رویاهاى خلیج فارس»، حسین غازانچی با پوستر «نمایشنامه‌خوانی نیاوران»، امیر اسمی با پوستر «کابوس‌های یک پیرمرد خائن ترسو»، رضا باباجانی از مشهد با پوستر «مرد گل به دهان» و مرتضی اتابکی با پوستر «دیوار چین» به عنوان نامزدهای دریافت جایزه معرفی شدند.

هشتم بهمن‌ماه در مراسم معرفی برترین‌های تئاتر ایران، برگزیدگان این بخش نیز معرفی شده و جوایز خود را دریافت خواهند کرد.

این مراسم رأس ساعت ۱۹ در تالار شماره یک تماشاخانه ایرانشهر برگزار می‌شود.

## رکورد حضور خبرنگاران در نشست‌های مطبوعاتی تئاتر فجر شکسته شد

روابط عمومی جشنواره بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر تعداد خبرنگاران حاضر در آخرین جلسه مطبوعاتی جشنواره ۲۱۰ نفر اعلام کرد.

معمولا تعداد خبرنگاران تئاتر در نشست‌های اداره کل هنرهای نمایشی تا سقف ۱۵۰ نفر ثبت شده است. آمار بدست آمده از جشنواره فجر یک رکورد به شمار می‌رود.

## حضور چشمگیر رسانه‌های داخلی و خارجی در جشنواره تئاتر فجر

گشایش بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با حضور بی‌سابقه رسانه‌های تصویری داخلی و خارجی از سه قاره اروپا، آسیا و آمریکا همراه شد.

۲۰ رسانه خارجی اعم از تلویزیون، خبرگزاری و مطبوعات در کنار ۲۵ رسانه داخلی، از جمله ۱۴ شبکه رادیویی، اخبار و اتفاق‌های جشنواره بیست و هشتم را پوشش می‌دهند.

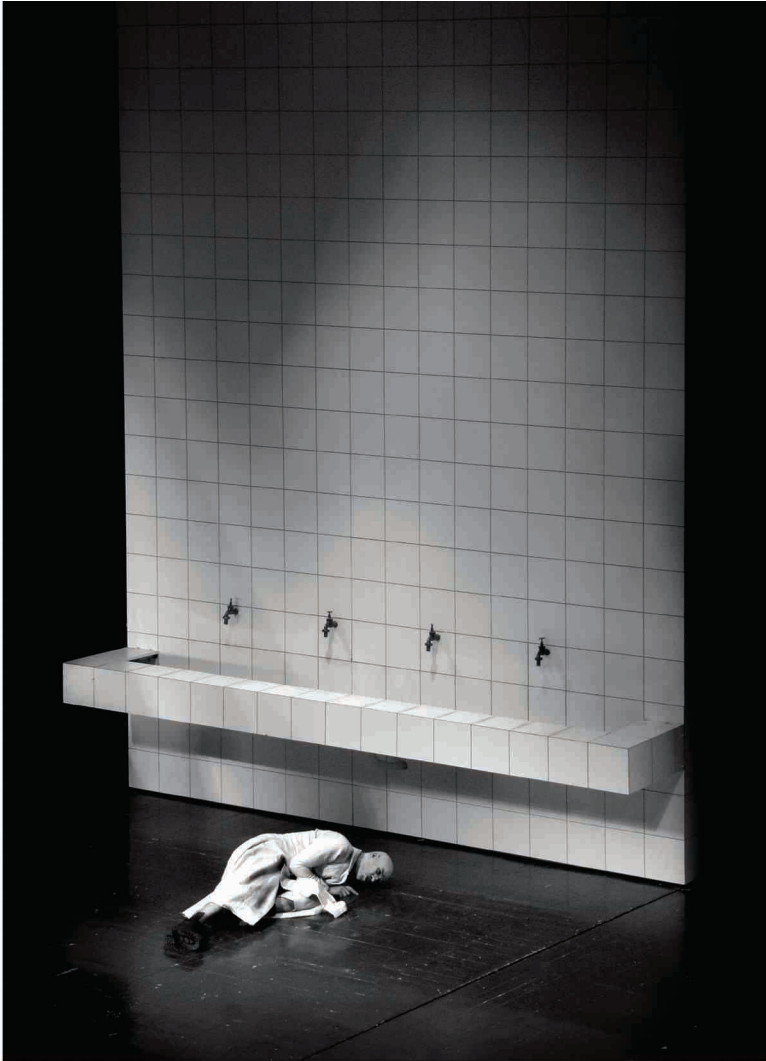
گزارش کامل این موضوع، در شماره بعدی نشریه روزانه جشنواره منتشر خواهد شد.

## نمایشگاه پروژکتورهای قدیمی تئاتر در اداره تولیدات نمایش

مجموعه قدیمی‌ترین پروژکتورهای تئاتر که از بدو تأسیس اداره تولیدات تئاتر و تماشاخانه سنگلج مورد استفاده قرار گرفته‌اند، با کوشش مجتبی گیویان در اداره تئاتر به نمایش درآمده است.

مجتبی گیویان بیش از ۲۰ پروژکتور قدیمی را از مجموعه تئاتر شهر، تالار سنگلج و اداره تئاتر گرد آورده تا نسل جدید هنرمندان تئاتر را با بخشی از فن‌آوری‌های قدیمی نورپردازی در تالارهای نمایش تهران آشنا کند. این پروژکتورها عموماً با قدمتی بیش از ۶۰ سال، ساخت کشور آلمان هستند و بخشی از قطعات و لامپ‌های آن دیگر تولید نمی‌شود.





رتبه اول: حسن طاهری/«شکار روباه» علی رفیعی



رتبه دوم: مانی لطفی‌زاده/«آسمان روزهای برفی» محمد عاقبتی



تقدیر از: حسین گلپا/«شکار روباه» علی رفیعی

فتانه دادخواه، داور بخش مسابقه عکس تئاتر:

### عکاسی، هنری مستقل در دنیای تئاتر

اگر بخواهم از عکاسی تئاتر تعریفی داشته باشم باید مهم‌ترین ویژگی آن را بیان کنم. در عکاسی تئاتر، همه عوامل از قبل به‌وسیله کارگردان با دقت پیش‌بینی شده است و عکاس با صحنه‌های روبه‌رو می‌شود که به هیچ وجه قادر به تغییر و کنترل آن نیست و این محدودیت، کار او را در مقایسه با دیگر حوزه‌های عکاسی مشکل می‌کند.



شاید بتوان گفت مهم‌ترین مقوله در عکاسی تئاتر، تبحر عکاس در شناخت لحظه قطعی است و آن لحظه‌ای است که بازیگر غرق در بازی خود است و تمام عناصر و اجزای صحنه از جمله نور، دکور، لباس، آکسسوار و حرکات صورت و بدن بازیگر در یک لحظه به یک هارمونی و هماهنگی کامل رسیده‌اند. این لحظه‌ای است که عکاس آگاهانه و با شناخت کامل از همه این عوامل، آن را ثبت و جاودانه می‌کند.

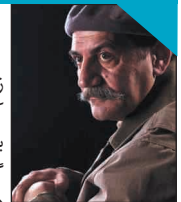
برای من که مدتی از عکاسی تئاتر دور بوده‌ام، تعداد بالای شرکت‌کنندگان در مسابقه عکس تئاتر فجر نسبت به گذشته چشمگیر بود. این نشان می‌دهد عکاسی امروز یک هنر مستقل در تئاتر است، اما کیفیت اکثر عکس‌ها در مجموعه امسال به حد مطلوب نرسیده است. شاید هنوز عکاسانی که روی این رشته متمرکز شده باشند، نداریم.

امیدوارم در سال‌های آینده شاهد عکس‌هایی با کیفیتی برتر و بالاتر از گذشته باشیم و نیز تفکری عمیق‌تر پشتوانه آثار باشد.

حمید جبلی، داور بخش مسابقه عکس تئاتر:

### ویژگی‌های عکاسی در زمانی نه چندان دور

حضور من در بخش میهمان مسابقه عکس تئاتر ایران زمینه‌ای شد تا عکاسی تئاتر در سال‌های گذشته را مرور کنم. ۵ قطعه عکس از نمایش‌های دهه ۶۰ و اوایل ۷۰ را برای این نمایشگاه انتخاب کرده‌ام. ویژگی این عکس‌ها فقط گذشت زمان است، زمانی که چندان دور نیست؛ ولی یکی، دو موضوع آن‌ها را از زمان حال دورتر می‌کند:



نخست، آن که، نگاتیو اجازه نمی‌داد تا عکاس تئاتر زیادی عکس بگیرد. پس باید نورسنجی دقیق می‌کرد. امکان دیدن عکس هم برایش موجود نبود و باید صبر می‌کرد تا در لابراتوار چاپ می‌شد. در هنگام گرفتن عکس، زاویه دید عکاس، میزان نورپردازی نگاتیو و لحظه گرفتن عکس لحظات اضطراب‌آوری برای عکاس ایجاد می‌کرد. دوم، نگاه عکاس را به موضوع جدی‌تر می‌کرد؛ یعنی عکاس باید زیبایی‌شناسی را در لحظه گرفتن عکس و زدن شاتر دوربین انجام می‌داد و بعد از آن، امکان اصلاح عکس بسیار محدود بود. عکاس باید از منابعی بسیار محدود می‌آموخت. دسترسی به عکس عکاسان دیگر محدود بود و امری بسیار تخصصی و ویژه به شمار می‌رفت. او مانند امروز با کلیک یک دکمه در اینترنت، به منابع نامحدود عکس و عکاسان دسترسی نداشت. به هر حال، زیبایی‌شناسی عکس و سلیقه بصری در این ۲۰ سال دچار تحولات گوناگون شده و قواعد عکاسی امروز با عکاسی دوران ما بسیار متفاوت است. باید قبول کنید ما از عکاسان امروز توقع بیشتری داریم، زیرا تجهیزات و امکانات بیشتری در اختیار دارند.

رضا معطریان، داور بخش مسابقه عکاسی تئاتر:

### افت عکس‌ها، نسبت به سال قبل

به عنوان داور بخش مسابقه عکس و کسی که دو سال متوالی همه عکس‌های رسیده به این بخش را از نظر گذرانده‌ام، احساس می‌کنم کیفیت عکس‌های رسیده امسال به نسبت سال گذشته افت پیدا کرده است. با این که این بخش برای دومین سال پیاپی برگزار می‌شود، انتظار بیشتری از آثار رسیده داشتیم.



به یاد داشته باشید آن چه ما در این بخش، داوری می‌کنیم تنها عکس‌هایی است که به دبیرخانه رسیده و شامل همه عکاسی تئاتر نمی‌شود. داوری‌ها نیز بدون درج نام عکاس انجام شده است.

در این حوزه، عکس ارتباط مستقیمی با ویژگی‌های بصری تئاتر دارد. شاید نمایش‌هایی که در یک سال گذشته روی صحنه رفته‌اند، به لحاظ بصری برای عکاسان خوب نبوده است زیرا بیشتر عکس‌های رسیده از دو تا سه نمایش بوده و این نشان می‌دهد که این آثار از غنای بصری لازم برخوردار بوده‌اند.

به پیشنهاد مدیر بخش مسابقه عکاسی تئاتر، قرار شد بخش میهمان با عکس‌هایی از عکاسان قدیمی شکل گیرد تا به نوعی گذشته تئاتر نیز روایت شود. ما هر کدام با پنج عکس در این بخش شرکت داریم و رویکردمان برای انتخاب عکس‌ها نیز بیشتر از هر چیزی، رویکردی نوستالژیک بوده است. شاید بتوان تصاویری از آن‌ها را که خاطره‌شان باقی است، در این بخش دید.

عکس‌های من متأخرتر از دیگران است. چون در این فرصت نتوانستم نگاتیوهایم را آماده کنم؛ عکس‌هایی را انتخاب کردم که گذشته‌ای نزدیک را به تصویر کشیده‌اند.



رقابت سالن‌های تئاتر در برگزاری پرشکوه جشنواره

## تالار سنگلج رنگ خودش را دارد

برای انجام برنامه‌های اصلی جشنواره تئاتر فجر که غالباً در اجراهای تئاتر معنا می‌شود، سالن‌های مختلف تئاتری تهران برای هر چه بهتر برگزار شدن آن، برنامه‌های خاص خود را طراحی کرده‌اند. تماشاخانه سنگلج به عنوان یکی از قدیمی‌ترین سالن‌های تئاتر تهران، در این راستا اقدام‌های ویژه‌ای را انجام داده تا به بهترین نحو در برگزاری جشنواره همکاری داشته باشد و در عین حال، به مخاطبان خود بهترین خدمات را ارائه دهد.



برگزاری نمایشگاه عکس ۳۰ سال تئاتر تهران نمایشگاهی از ۱۰۰ قطعه عکس قدیمی تئاتر تهران در تماشاخانه سنگلج برپا شده است. این عکس‌ها متعلق به دوره‌ای سی ساله و از نمایش‌هایی است که در تالار سنگلج اجرا شده‌اند.

مهدی وجدانی، مسئول روابط عمومی تالار سنگلج، ضمن اعلام این خبر افزود: در حال حاضر، بخش دیگری از عکس‌های قدیمی موجود در تماشاخانه سنگلج در مرحله آماده‌سازی و ویرایش است تا به زودی در نمایشگاه دیگری در معرض دید عموم قرار بگیرد. وی همچنین یادآور شد که قدیمی بودن این تصاویر موجب شده است تا نام عکاس آن‌ها نامشخص باشد.

هدیه تماشاخانه سنگلج به خبرنگاران و مهمانان جشنواره از امروز، تقویم دیواری سنگلج به مهمانان و خبرنگاران این تالار نمایشی تقدیم می‌شود.

این تقویم دیواری سال ۸۹ همراه با مجموعه‌ای از قدیمی‌ترین عکس‌های تماشاخانه سنگلج و تصاویری از چهره‌های سرشناسی که در نمایش‌های این تماشاخانه ایفای نقش کرده‌اند، به چاپ رسیده است. مدیریت تماشاخانه سنگلج این تقویم دیواری را به عنوان هدیه این تالار به مناسبت برپایی بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر تهیه کرده است.

## تجهیزات جدید در تماشاخانه

تماشاخانه سنگلج در حالی به استقبال بیست و هشتمین جشنواره تئاتر فجر رفته که با تجهیزات تازه نور و صدا، بیلبورد دائمی، نورپردازی نما و همچنین زیباسازی برای تبلیغات محیطی مجهز شده است.

این تماشاخانه برای رفاه حال علاقه‌مندان، طرح تکریم تماشاگران را با تهیه کارت شناسایی دوزبانه برای کارکنان و اجرای طرح انتخاب صندلی ادامه می‌دهد. آتابک نادری، مدیر این تالار، همچنین از خرید و نصب ۱۵ پروژکتور تازه با ارزش ریالی ۱۰ میلیون تومان و میکسر صدا با همکاری دفتر طرح‌های عمرانی وزارت ارشاد خبر داد.

مراجعه‌کنندگان به این تماشاخانه می‌توانند پایه استند کاشیکاری شده این تالار و نورپردازی و زیباسازی فضای بیرونی آن را از نزدیک ببینند.

میلان زیبایی که طبقه دوم تماشاخانه را آراسته است، با همکاری شرکت سبحان مکت تهیه شده است.



رتبه سوم: ساغر برکات/ «بیچاره مکتب» پیام عزیزی



تقدیر از: محمدرضا سلطانی/ «شکار روباه» علی رفیعی



محمدحسین ایمانی خوشخو، معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

## دستاورد های جشنواره، تئاتر کشور را توسعه می‌دهد



دکتر ایمانی خوشخو که در سمت معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، شش سال پی‌پی‌بی برگزاری جشنواره تئاتر فجر را حمایت کرده، حضور پررنگ هنرمندان تئاتر شهرهای مختلف کشور و رشد کمی و کیفی تئاتر شهرستان‌ها را یکی از نقاط قوت جشنواره بیست و هشتم تئاتر فجر ارزیابی می‌کند و آن را به لحاظ کمیت و کیفیت و تنوع از جشنواره‌های گذشته برتر می‌داند. معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تأکید می‌کند زمانی که با افزایش علاقه‌مندان تئاتر در کشور روبه‌رویم، باید جشنواره تئاتر فجر را نیز به شکلی سامان‌دهی کنیم تا تعداد کسانی که غالباً از دیدن اجراها محروم هستند، کاهش پیدا کند.

و حتی بخش‌هایی از آن همچون کارگاه‌ها، یک دوره فشرده آموزشی تئاتر برای گروه‌های داخلی و جوانان باشد.

برای آینده به چه بخش‌ها و نکاتی باید بیشتر توجه شود؟

جشنواره تئاتر فجر به عنوان نقطه عطف جریان تئاتر هنوز جای کار بسیاری دارد. ما در جهت معرفی تئاتر ملی‌مان باید بیشتر تلاش کنیم، مخصوصاً برای نسل جوان هنرمندان تئاتر که جریان زندگی ناچار آن‌ها را از داشته‌های غنی فرهنگی، ملی و بومی تئاتر دور کرده و در طول سال هم بهانه‌های جدی و فرصت‌های لازم برای انجام دادن این کار ندارند. وقتی طبل جشنواره به صدا درمی‌آید و همه گوش‌ها تیز می‌شود، می‌توانید تجربه‌های خاصی هم داشته باشید. مهم‌ترین و خاص‌ترین تجربه، معرفی هرچه

جریان رو به رشد هنر به جایی رسیده که یقین دارم هر مدیری بیاید، متوجه می‌شود که باید همپای این جریان رو به رشد پیش برود

که به عنوان یکی از ستون‌های اصلی تئاتر در جایگاه مخاطب تعریف می‌شوند. شور و شوقی که برای تهیه بلیت وجود داشت و دو روزه بلیت اینترنتی به پایان رسید، نشان می‌دهد که همه دنبال تئاترند. اگر یک جریان معمولی بود، یا یک جریان پایین‌تر از دوره‌های گذشته، این عطش را نمی‌توانستید ببینید. از این سه دریچه می‌شود جشنواره امسال را تا امروز، مثبت ارزیابی کرد.

بنده به عنوان کسی که در شش دوره مسئولیت جشنواره تئاتر فجر را برگزار کرده‌ام، این سیر صعودی را به خوبی می‌بینم. لازم نیست به زحمت درون پرونده‌ها بگردم و مقایسه کنم. بخش عمده آن به تلاش مجموعه اجرایی تئاتر بازمی‌گردد که در آن هنرمند، مردم و مسئولان هستند. جشنواره بیست و هشتم می‌تواند حرف‌های جدیدی داشته باشد

حرکت تئاتر کشور باشد. قله جایی است که همه کسانی که در فاصله معقول از آن قرار دارند، بتوانند آن را ببینند. یک بخش از جامعه تئاتر را هنرمندان شهرستان تشکیل می‌دهند که بدون ارزش‌گذاری مکانی، حضور پررنگ‌تری در جشنواره‌های موسیقی و تئاتر فجر داشته‌اند. آن‌ها به گونه‌ای عمل کرده‌اند که انتخاب‌کنندگان جشنواره ناچار به انتخاب آثار آن‌ها شده‌اند، بدون آن‌که سهمیه‌ای قائل شوند. این امر به اقداماتی که در چند سال گذشته برای توسعه تئاتر استان‌ها انجام گرفته، بازمی‌گردد. دسته دیگر از جامعه هنری تئاتر، استادان و پیشکسوتانی هستند که در بخش‌های مختلف حضور دارند و در زمره منتقدین هستند ولی حتی آن‌هایی که انتقاد می‌کنند نیز در دل انتقادشان به این مسائل که گفتم، اشاره دارند. دسته دیگر مردم هستند

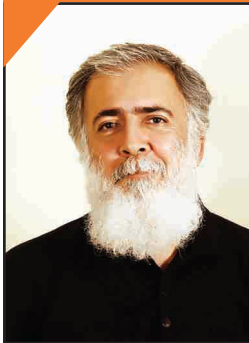
پس از گذشت ۲۸ سال از جشنواره تئاتر فجر، چه انتظاری از جشنواره امسال داشتید و حرکت آن را تا چه حد در مسیر رسیدن به اهداف مدون آن می‌دانید؟

حداقل انتظاری که از جشنواره امسال می‌رود، این است که با تجربه ۲۷ دوره گذشته، بتواند جشنواره کامل‌تری باشد. اگر بین برنامه‌های این دوره و اجرای جشنواره در دوره‌های گذشته مقایسه‌ای بکنیم، رشد کمی و کیفی را می‌بینیم. این دوره به لحاظ کمیت و کیفیت و تنوع، برتر از جشنواره‌های گذشته است. ارزیابی مخاطبان و هنرمندان در روزهای جشنواره و همین‌طور میانگین نظریاتی که در رسانه‌ها منتشر می‌شود، این نظر را تأیید می‌کند. به طور کلی، از جشنواره تئاتر فجر انتظار می‌رود که قله



## بهرام کلهر نیا، داور بخش مسابقه پوستر تئاتر:

# پوستر باید مثل آگهی دیواری از دور صدایت بزند



در نقد وضعیت طراحی پوستر تئاتر کاستی‌هایی در شیوه انتقال مفاهیم و نوع سفارش آن دیده می‌شود که تا حدودی متأثر از ضعف‌ها و کاستی‌های موجود در حوزه تئاتر است. در وهله اول، از آن رو که حاصل دو سال کار طراحان پوستر تئاتر قرار بوده دیده شود، انتظار داشتیم با کمیت و کیفیت خوبی روبه‌رو شویم؛ اما آن‌چه دیدیم خیلی فقیر بود. برخی از آثار دارای روحیه سطحی‌نگر و بازاری بودند. بین متن، گرافیک و اجرا ارتباط چندانی نبود و فوت و فن‌های اجرایی کار در بیشتر مواقع لحاظ نشده بود. گاه کپی‌های تکراری از اسناد حرفه‌ای دیگران نیز دیده می‌شد.

اولین انتظاری که از یک پوستر می‌رود با هر نوع توانمندی که طراح بکار برده، آن است که به عنوان یک آگهی دیواری، از راه دور افراد را صدا بزند. در عین حال، کار برای حوزه‌های تخصصی صورت می‌گیرد و اثر باید بیان‌کننده این خاصیت باشد. در سطح ملی، گرافیک شیوه‌مندی برای سینما و تئاتر نداریم تا اسنادمان کیفیت موزه‌ای پیدا کنند. شاید بچه‌های تئاتر باید راهی برای رفع این کاستی بیابند و با انتخاب طراحان حرفه‌ای برای اثرشان، گامی در این زمینه بردارند. امروز آرزو می‌کنم که کاش در کنار برپایی جشنواره‌ها، فرصتی برای نقد و بررسی اقلام گرافیکی نمایش هم ایجاد می‌شد.

## مسعود سپهر، داور بخش مسابقه پوستر تئاتر:

# گرافیکست‌های بزرگ حایشان خالی بود



اگر بخواهم کلیت آثار رسیده به بخش مسابقه پوستر را ارزیابی کنم، باید به چند نکته بپردازم که در نظر اول در آثار ارائه شده به بخش مسابقه دیده می‌شد:

- (۱) تعداد آثار ارسالی - برای دو سال کار - کم بود. شاید دلیلش کوتاهی کمی و کیفی - در اطلاع‌رسانی باشد.
  - (۲) طرح‌های ارسالی یا خوب بودند یا ضعیف. اثر متوسط یا بحث‌برانگیز (حداقل بین هیأت داوران) نداشتیم. اثر عالی، بدیع یا بسیار چشمگیر هم ندیدیم.
  - (۳) آثار نسبتاً خوب، هم از لحاظ دیدگاه و هم از نظر فنون یا مهارت‌های بصری به هم بسیار نزدیک بودند.
  - (۴) از موضوع قبل به این‌جا می‌رسیم که برای طراحی پوستر تئاتر، تعداد بسیار محدودی از لاقال چند هزار طراح که فقط در شهر تهران کار می‌کنند یا بهتر بگویم به کار گرفته می‌شوند، حضور دارند و به هر دلیل، از بقیه کار خواسته نمی‌شود یا دعوت به همکاری نمی‌شوند؛ چون به‌رحال شناخته‌شده هستند. خلاصه این که جای گرافیکست‌های بزرگ پوستر ایران در پوستر تئاتر خالی است و در این حوزه خواسته یا ناخواسته نوعی آماتوریزم یا تجربه‌گرایی افراطی به چشم می‌خورد.
- برای پیشرفت طراحی پوستر تئاتر باید این نکته را در نظر داشت که اگر تئاتر ایران پیشرفت کند و همه‌جا در دسترس مردم باشد، اگر پوستر تئاتر محل نصب و نمایش در سطح شهر پیدا کند و در نتیجه رقابتی در این زمینه برقرار شود، اگر شرایط پرداخت حق‌الزحمه مکفی برای طراحی ایجاد شود تا طراحان حرفه‌ای نیز انگیزه شرکت در این حوزه را پیدا کنند، اگر تهیه‌کنندگان و دست‌اندرکاران تئاتر برای یافتن پوستر تئاتر خود به توانمندی‌های طراحان گرافیک ایران در فضایی وسیع‌تر از محیط نزدیک به تئاتر نگاه کنند و ... امکان پیشرفت طراحی پوستر تئاتر فراهم می‌آید.

از موقعیت‌شناسی، زمان‌شناسی و تیزهوشی‌شان و این‌که مقوله هنر برایشان اهمیت دارد، تشکر کنم. پیشکسوتان و هنرمندان را می‌بینید که چه برای اجرای نمایش و چه برای سخنرانی و داوری آمده‌اند تا با همت جمعی این جشنواره را برگزار کنند زیرا موفقیت جشنواره، موفقیت تئاتر کشور و دستاوردهای جشنواره، دستمایه‌ای برای توسعه تئاتر کشور است.

**به رشد تئاتر در شهرستان‌ها اشاره کردید و حضور هنرمندان شهرستانی را نیز یکی از نقاط قوت جشنواره برشمردید، ولی هنوز گلایه‌هایی در مورد انجمن هنرهای نمایشی وجود دارد و در برخی از شهرها احساس کم‌شدگی در دایره تغییرات به چشم می‌آید؟**

هنرمندان شهرستان‌ها به خوبی شاهد رشد حمایت‌ها و امکانات هستند. البته این رشد را به صورت میانگین و در گستره تئاتر کشور می‌بینیم. در اغلب شهرستان‌ها کارها بهتر و مشکل‌سالن‌ها حل شده و مدیران سالن‌ها آمادگی اجرا دارند و می‌گویند منتظر گروه‌ها هستند که بیایند کار کنند. انجمن هنرهای نمایشی برای رفع مشکلات و صرفاً به دلیل کمک به هنرمندان شهرستانی تأسیس شده اما هنوز اتصال لازم را با پایگاه‌های شهرستانی پیدا نکرده است. بارها از دوستان انجمن خواسته‌ام که این بخش هرچه سریع‌تر انجام شود تا دوستان شهرستان‌ها احساس بلاتکلیفی نکنند. می‌دانم جزو برنامه‌های انجمن است ولی شاید درگیری در جشنواره‌ها سرعت آن را کم می‌کند. این خواهش را دارم که به محض فراغت از جشنواره فجر، بحث سامان‌دهی انجمن‌های هنرهای نمایشی شهرستان‌ها را کشور را در دستور کار خود قرار دهند و این نگرانی بحق دوستان ما در شهرستان‌ها هم مرفوع بشود که فکر نکنند اتصالی به مرکز ندارند.

**این روزها شایعاتی مبنی بر خداحافظی شما از مسئولیت معاونت هنری شنیده می‌شود و نگرانی‌ها و سؤالات زیادی در خصوص آینده مطرح می‌شود.**

از این نظر نگرانی وجود ندارد. بالاخره هر مدیری یک روزی می‌آید و یک روزی هم می‌رود. نمی‌شود گفت که مدیری برای همیشه خواهد ماند. آن‌چه که جای امیدواری است، جریان روبه رشد هنر و تئاتر است. این جریان به جایگاهی رسیده که با تغییر مدیریت‌ها دچار آسیب نمی‌شود. یقین دارم که هر مدیری بیاید، متوجه می‌شود که باید همپای این جریان روبه رشد پیش برود. ان‌شاءاً... با همدلی که همیشه هنرمندان تئاتر دارند و با انسجام و ایده‌های خوب، می‌توانند راهنمایی برای آینده ایران باشند و کمک کنند تا با توجه به سیاست‌های دولت دهم که هدفش توجه به فرهنگ است، ظرف تئاتری بزرگ‌تر شود و با تجارب خوبی که در این چهار، پنج سال گذشته بوده روزهای بسیار درخشان‌تری را بتوان برای تئاتر کشور دید.

بیشتر تئاتر ملی است. نکته دیگر این است حال که مخاطبانمان اضافه می‌شوند، باید تمهیداتی ببندیم تا پاسخ جامع‌تری به آن‌ها بدهیم. در یکی دو سال که جشنواره تئاتر و فیلم همزمان شد، دیدیم که تئاتر پا به پای آن آمد. باید تعداد علاقه‌مندان که از دیدن آثار جشنواره محروم می‌شوند، کم‌تر شود. نکته دیگر افزودن به غنای بین‌المللی جشنواره است. به آن معنی که دریچهای به اتفاقات بین‌المللی تئاتر باز و بازتاب آن به راحتی در داخل منعکس شود.

**در جشنواره بیست و ششم شاهد گسترش وسعت جشنواره بودیم. آیا آن رویکرد را می‌پسندید؟**

آن اتفاق را می‌شود از یک زاویه مثبت دید. می‌توان با برخی اقدامات مردمی را که مخاطب عمومی تئاترند، درگیر جشنواره کرد. آن سال با همکاری سازمان فرهنگی - هنری شهرداری از مکان‌هایی استفاده شد تا جشنواره صرفاً برای مخاطب خاص نباشد. از زاویه دیگر، باید در نظر داشت که بالاخره تئاتر فجر یک محیط حرفه‌ای و بین‌المللی دارد و وقتی وارد این عرصه می‌شوید، باید همه هم و غم خود را کنید. اگر بخواهیم مخاطب عام داشته باشیم، می‌توانیم در طول سال این کار را تجربه کنیم و شاید اگر فرصت‌ها و امکانات جشنواره را بخواهیم صرف آن کنیم، به بخش حرفه‌ای لطمه بخورد. رویکرد سومی هم می‌تواند وجود داشته باشد که ترکیب این شکل‌ها است و تنها در صورتی قابل انجام خواهد بود که نهاد‌های دیگر نیز به کمک آن بیایند؛ مثل خانه تئاتر، تئاتر شهر، سازمان فرهنگی، هنری شهرداری، دانشگاه‌ها، حوزه و ... فکر می‌کنم در این زمینه چون امسال امکانات زیادی فراهم نشده، کار موفق آن دوره هم عملی نشده است.

**وقایعی که امسال در کشور اتفاق افتاد امواج منفی زیادی را در اطراف جشنواره‌های فجر ایجاد کرد. به عنوان یکی از مسئولان فرهنگی کشور، واکنش‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

بعد از مسائل انتخابات، جدا از همه گروه‌های داخلی، بخشی که ما به نام دشمن از آن یاد می‌کنیم - طبیعی است که هر کشوری علاوه بر دوست، دشمن هم داشته باشد - جریان رشد کشور را تاب نیاورد. آن‌ها در طول تاریخ، ایرانی ضعیف می‌خواستند و خیلی بر نمی‌تابند که ایرانی‌ها پیشرفت داشته باشند. این شرایط را فرصتی دیدند که موانعی در این راه ایجاد کنند.

رشد کشور در هر زمینه‌ای، دشمن را در دستیابی به این سرزمین دور می‌کند ولی خوشبختانه هنرمندان ما با هوش بالایی که داشته و دارند، جشنواره را یک جریان رسمی و تشریفاتی ندانسته بلکه آن را محلی برای تضارب آرای تئاتری و محیطی برای استفاده و ارائه هنر می‌دانند. اگر جشنواره‌ها نباشند پس نسل جوان چگونه الگو بگیرد. این اتفاق در شکل کاملش در جشنواره می‌افتد. امروز خوشبختانه حضور هنرمندان را در هنرهای تجسمی، موسیقی و تئاتر می‌بینیم. لازم است

**بعد از جشنواره باید بحث سامان‌دهی انجمن‌های هنرهای نمایشی کشور برای شکل‌گیری اتصال انجمن‌های شهرستان به مرکز در دستور کار قرار گیرد**

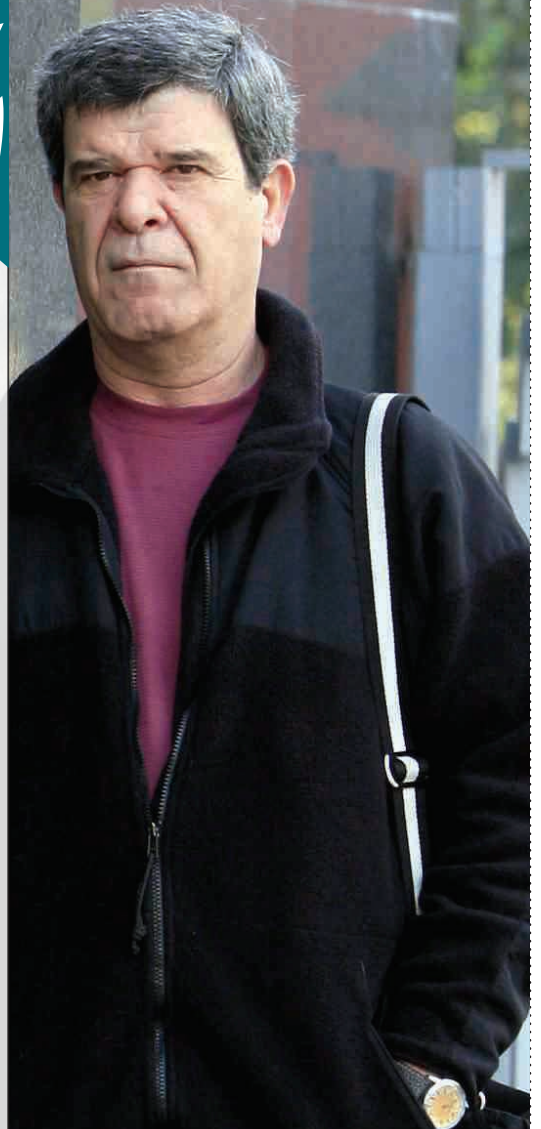


**هنرمندان ما جشنواره را یک جریان رسمی و تشریفاتی ندانسته، بلکه آن را محلی برای تضارب آرای تئاتری و محیطی برای استفاده و ارائه هنر می‌دانند**



سهراب سلیمی، کارگردان نمایش «عشق لرزه»:

# عشق واقعی در اقتباسی از امانوئل اشمیت



اهالی تئاتر، «سهراب سلیمی» را کارگردانی می‌دانند که همواره به دنبال زبانی جدید در تئاتر است. او دوست دارد درام نویسان بزرگ جهان را به تئاتر ایران معرفی کند. سهراب سلیمی با اجرای «عشق لرزه» در دو بخش مسابقه بین المللی و مرور تئاتر تهران، در جشنواره تئاتر فجر حضور دارد. در نمایش «عشق لرزه» وی با اقتباس اثری از امانوئل اشمیت مولف‌های اجتماعی خود را نیز در آن لحاظ کرده است. در گفت‌وگوی پیش رو سلیمی از دغدغه پرداختن به اثری دیگر از این نویسنده فرانسوی برایمان گفت و نگاه مفهومی که در نمایش خود دنبال می‌کند.

با مروری بر آثار تان، به نظر می‌رسد نگاه شما به تئاتر و انتخاب متن متفاوت است. در این باره برایمان توضیح دهید؟  
یکی از اهداف اصلی من که حداقل از اواخر دهه ۷۰ بسیار برایم حائز اهمیت بوده است، معرفی درام نویسان جدید بود. اگر نخواهم گزاره کوبی کنم، اسناد و مدارک، خود گواه این موضوع اند که از ابتدای تشکیل گروه «صورتک»، موسسان آن همواره در تلاش بوده‌اند تا درام نویسان بزرگ را نه فقط در نام بلکه در متن و نوشته به تئاتر ایران معرفی کنند. هدف دیگر من در تئاتر این بوده که همواره از نیروهای جوان و تازه نفس بهره بگیرم. این موضوع پس از اجرای «کبودان اسفندیار» در سال ۶۹ نوشته آرمان امید، به شدت موثر واقع افتاد. از آن به بعد سکوت ۱۱ ساله‌ای داشتم و هرگز پیرامون کارگردانی تئاتر نفتم. این طول زمان وادارم کرد برای یک بار هم که شده به درون خود رجوعی مجدد کنم و پس از بررسی کمبودهای خود، برای نزدیک شدن به تخصص کارگردانی، با یک حجم اثبات فکری تازه بازگردم. در نهایت، احساس کردم آن چه می‌توانم به دست بیاورم در آثار درام نویسان بزرگ است؛ درام نویسانی که نه فقط نام بزرگ داشته‌اند، بلکه فکر و نوشته‌شان نیز بزرگ و والا است.

چرا پس از «دو دلچک و نصفی» دیگر سراغ متن‌های ایرانی نرفتید؟  
پس از «دو دلچک و نصفی»، آثار ایرانی دیگری نیز به دستم رسید که اگر بخواهم صادقانه اعتراف کنم، هیچ کدام از آن‌ها نتوانست برای انجام کار من را اقناع کند. در نهایت، با اثری روبه‌رو شدم که تازه ترجمه شده بود؛ بدون این که کسی حتی نامی از آن شنیده باشد. پس از سال‌ها، نمایشنامه «خرده جنایت‌های زن و شوهری» به دستم رسید که با خواندن متن آن، درام نویسی را یافتیم که پس از سال‌ها قلمش با ذهنیت من همخوانی داشته؛ بنابراین، با گام‌های استوار به سوی اجرایی کردن این نمایشنامه رفتم. نکته جالب در مورد «خرده جنایت‌های زن و شوهری» این است که پس از آن که این اثر را اجرا کردم، این کار بلافاصله به چاپ هفتم رسید. یعنی با چاپ دوباره این نمایشنامه، یکی از اهداف اولیه من به عنوان مؤسس گروه تئاتر صورتک که معرفی درام نویسان بزرگ ناشناخته بود، محقق شد.  
یکی از نویسندگان مورد علاقه شما اشمیت است، فکر می‌کنید اجرای «عشق لرزه» نیز همین دستاورد را داشته باشد؟  
می‌دانستم وقتی نمایش «عشق لرزه» را اجرا کنم، با استقبال زیاد مردم روبه‌رو خواهد شد. از این

رو، در آن زمان به مدیر اداره کل هنرهای نمایشی پیشنهاد کردم که اگر امکانات لازم را در اختیارم بگذارد، می‌توانم این نمایش را به راحتی به مدت سه ماه روی صحنه نگه دارم. ما «عشق لرزه» را از ظرفیت فراتر از ۱۲۲ نفره سالن، روی صحنه بردیم و این در حالی بود که به دلیل مشکلات بیمه‌ای، بلیت‌فروشی بیشتر انجام نمی‌شد. وقتی نمایش به انتهای کار خود رسید، ما ۳۳ اجرا داشتیم. بنابراین، در درجه اول من موفق شده بودم مخاطب بیشتری را به تئاتر جذب کنم. در نهایت، با نگاهی که به آثار اشمیت داشتم متوجه شدم که این درام نویسی آن چنان به روح و ذهن مخاطب نفوذ می‌کند که مخاطب در اجرا حل می‌شود. هدف اصلی من نیز این بود که لایه‌های پنهان خودم را در اشمیت پیدا کنم. با آثاری مثل «عشق لرزه» است که می‌فهمیم جامعه بدون عشق در حقیقت پر از نفرت، کینه و مجادله دیده می‌شود. شما در سال‌های اخیر چهار اثر از امانوئل اشمیت را روی صحنه برده‌اید. مهم‌ترین ویژگی اقتباس از نمایشنامه‌های خارجی چیست؟

اشمیت یک درام نویس فرانسوی است و به هر حال در محیطی آثار خود را می‌نویسد که با محیط جامعه ما تفاوت‌های فراوانی دارد اما امروزه اثرش دست سهراب سلیمی است و من می‌خواهم با حفظ تم اصلی، مؤلفه‌های اجتماعی خودم را نیز به آن‌ها اضافه کنم؛ زیرا معتقدم عشقی که اشمیت تعریف می‌کند، در همه جای دنیا یکسان است. در واقع، می‌توان گفت که ماهیت اصلی «عشق لرزه» عشق واقعی است.

«عشق لرزه» به عشق واقعی درون آدم‌ها می‌پردازد و می‌خواهد نشان دهد که زمین نیز همچون آدم‌ها دارای این عشق واقعی است. یعنی زمانی که زمین به صورت یکبارچه بود، اما در نهایت به دلایل مختلف لایه‌های زیرین زمین به وجود آمد و قاره‌ها از یکدیگر جدا شدند. مشابه همین موضوع در میان انسان‌ها نیز رخ داد. بنابراین، نگاه من در «عشق لرزه» بیان عشق واقعی است که این عشق واقعی می‌تواند انسان‌ها را بیش از هر چیز دیگر به یکدیگر نزدیک کند.

آیا اجرای جشنواره‌ای «عشق لرزه» نسبت به اجرای عمومی آن تفاوت دارد؟

دوست داشتم نگاه دیگری به این اثر داشته باشم، اما به دلیل اینکه داوران اصلی من، مردم‌اند و بیش از این نیز واکنش‌های مناسبی را از آنان دریافت کرده‌ام، این نمایش را بدون تغییر نسبت به اجرای عمومی آن، در جشنواره به روی صحنه می‌برم.

**امانوئل اشمیت**  
**انچنان به روح و ذهن مخاطب نفوذ می‌کند که مخاطب در اجرا حل می‌شود.**  
**هدف اصلی من نیز این بود که لایه‌های پنهان خودم را در او پیدا کنم**

**احساس کردم آن چه می‌توانم بیاورم در آثار درام نویسان بزرگ است؛ درام نویسانی که نه فقط نام بزرگ داشته‌اند بلکه فکر و نوشته‌شان نیز بزرگ و والا است**





”پروانه‌ها“ به کارگردانی فرانچسکو گاندی و داوید ونتورینی از ایتالیا

## پروانه‌های رؤیایی، بازیگران صحنه

### پروانه‌ها در باغی رنگین و رویایی

می‌شود. ابزار و دکور این نمایش بسیار ساده طراحی شده است: فرش سپید با دو بال بسیار بزرگ که تمامی نمایش بر دو بعد افقی فرش و عمودی بال‌ها اجرا می‌شود. از این رو، مخاطب به هنگام ورود به صحنه، با باغی ساده اما رنگین و رؤیایی روبه‌رو می‌شود که در آن پروانه‌ها و دیگر حشرات رنگارنگ در حال پروازند.

پرداخته و تصاویر رقص کنان به پرواز درآمده‌اند. زمان داستان نمایش در یک روز از بامدادان تا شامگاهان می‌گذرد. در این باغ تصویرشده با ابزارهای رایانه‌ای، دیگر حشرات همچون هزارپا و کرم پروانه نیز نقش آفرینی می‌کنند. این حشرات همچون بال‌رین‌هایی در فضای صحنه‌ای حرکت می‌کنند و داستان آن‌ها از سوی دو قصه‌گو روایت

نمایش ”پروانه‌ها“ که از سوی اجراکنندگان آن به تمامی کودکان، تصویرگران و خنیاگران عرصه هنرهای مدرن تقدیم شده است، اثری است از گروه ”تی پی او“ ایتالیا. در این اثر نمایشی، مخاطب می‌تواند تصاویری از پروانه‌ها را در حال پرواز با دورنمایی بدیع و دل‌انگیز ببیند؛ به گونه‌ای که می‌پندارد نقاشی‌هایی با قلم‌مو در هوا به تصویرگری

### گروه ”تی پی او“

انجمن فرهنگی نمایشی ”تی پی او“ در سال ۱۹۸۱ کار خود را به عنوان مؤسسه تئاترهای صحنه‌ای آغاز کرد. از همان سال‌های آغازین، انجمن برای اجرای نمایش‌های صحنه‌ای کودکانه با استفاده از نقاشی‌های متحرک و به‌کارگیری اشکال هنری به همراه ابزار مکانیکی و بازی با نور شهرت یافت. از آن زمان تاکنون، این گروه نمایشی با تمرکز بر هنرهای تصویری و تجسمی، نمایش‌هایی را برای کودکان به صحنه برده که به عنوان آثار نمایشی که تئاتر و هنرهای معاصر را در کنار یکدیگر قرار داده است، شناخته شده‌اند.

از سال ۱۹۹۹ میلادی، گروه با مدیریت داوید ونتورینی و فرانچسکو گاندی، به کارهای نمایشی خود که به طور سنتی اجرا می‌شدند، گرافیک دیجیتال و دیگر اشکال هنری همچون حرکات موزون و ویدئوآرت را نیز افزود.

انجام نمایش‌های تجربی به همراه استفاده از فن‌آوری‌های دیجیتالی از سوی گروه نمایشی ”تی پی او“ موجب شد تا روش‌های نوینی برای ارتباط متقابل اجراکنندگان نمایش و فضای صحنه‌ای به دست آید. گروه برای دستیابی به چنین روش‌هایی، از حسگرهایی که با رایانه کنترل و هدایت می‌شوند، برای خلق تصاویر و صداهای بدیع سود برده است.

در مجموع، به کارگیری تمامی این روش‌ها گروه را به مفهومی با عنوان ”فرش شادی‌آفرین کودکان“ رهنمون کرد که بر مبنای آن اجراگران نمایش در صحنه، سفری خیالی را در باغی از رنگ و احساس آغاز می‌کنند؛ باغی که در آن هنرمندان حرکاتی را در مرکز منظره‌هایی از تصاویر و صدا انجام می‌دهند و گونه‌ای نوین را برای روایت داستان خود برمی‌گزینند.

### فرش شادی‌آفرین کودکان

روش فرش شادی‌آفرین کودکان تئاتر ”احساسات“ است؛ نمایشی که در آن مخاطب می‌تواند به مکاشفه فضا بپردازد و در نمایشی عمیق و ژرف خود را سهیم ببیند. همچنین این روش نمایشی را می‌توان گونه‌ای بازی با انواع مختلف هنری دانست که ارتباطی خلاقانه را میان کودکان و اجراکنندگان نمایش برقرار می‌کند. در نهایت، باید گفت که تجربه اجرای نمایش به روش ”فرش شادی‌آفرین کودکان“، تعریفی جدید از به‌کارگیری زبان حرکات بدنی به همراه صدا و تصویر را در عرصه هنرهای نمایشی به وجود آورده است.

**مخاطب به هنگام ورود به صحنه، با باغی ساده اما رنگین و رؤیایی روبه‌رو می‌شود که در آن پروانه‌ها و دیگر حشرات رنگارنگ در حال پروازند**

### درباره کارگردان

با به‌کارگیری تصاویر، ابزار صحنه‌ای، حالات و اشکال جسمی به صحنه رفته‌اند. با این وجود، در کارهای نمایشی آخر او فن‌آوری نوین نیز دیده می‌شود. گاندی در حال حاضر مسئولیت اداره و هدایت انجمن فرهنگی نمایشی ”تی پی او“ را بر عهده دارد.

فرانچسکو گاندی تحصیلات خود را در آکادمی ”دامس“ در شهر ”بولوگنا“ به انجام رساند. وی از ۱۹۸۷ میلادی فعالیت‌های تحقیقاتی‌اش را درباره نقش نویسنده و مؤلف، کارگردان و بازیگر آغاز کرد. کارهای تئاتری گاندی به طور معمول و بنا بر قواعد تئاتری،





«و خدا گفت» به نویسندگی و کارگردانی آورا سیددیروپولو از یونان

## نمایشی از کهن کشور

### درباره کارگردان

وی استاد ویژه بخش زبان انگلیسی دانشکده ارسطو نیز بوده است. در حال حاضر، سیددیروپولو رشته‌های کارگردانی، بازیگری و مطالعات تئاتری را در دانشگاه «پلوپونیسوس» یونان، تدریس می‌کند. از سال ۲۰۰۷، وی علاوه بر تدریس رشته هنرهای نمایشی در دپارتمان زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه ارسطو، هدایت‌های تئاتری دانشجویی را نیز بر عهده داشته است. این کارگردان و استاد تئاتر یونان همچنین به عنوان مدرس میهمان، کارگردانی و بازیگری را در چند دانشگاه آتن و دانشگاه بوسفور ترکیه در آنکارا

در سطح بین‌المللی، سیددیروپولو نمایش‌های بسیاری را تاکنون در سالن‌های تئاتری مشهور اروپا و نیز تئاتر خارج از برادوی نیویورک به صحنه برده است. این کارگردان زن یونانی دکترای تئاتری خود را از دانشگاه ارسطو در شهر تسالونیک دریافت کرده است. وی پیش از آن، مدرک کارشناسی ارشد «مطالعات متنی و اجرا» را از دانشکده «کینگ» لندن دریافت کرده بود. در عین حال، سیددیروپولو کارشناس ارشد ادبیات آمریکا از دانشگاه کمبریج و دارای مدرک کارگردانی تئاتر از دانشگاه کلمبیا است.

در این نمایش شهر پس از یک فاجعه مرگبار به تصویر کشیده می‌شود. «و خدا گفت» در مکانی بومی اما در زمانی نامشخص روزگاران کنونی و مشکلات حل‌ناشدنی زیستی ما را در خود جای داده است. «و خدا گفت» نمایشی است از شرکت تئاتری پرسونا، به کارگردانی آورا سیددیروپولو. سیددیروپولو مدیر هنری شرکت تئاتری پرسونا است که تمامی بودجه خود را از وزارت فرهنگ و سازمان‌های فرهنگی یونان و اتحادیه اروپا تأمین می‌کند.

### آرمان‌های یک کمپانی تئاتری در یونان

این شرکت همچنین درباره اهداف خود آورده است که دست‌اندرکاران آن آرزومندند بتوانند بازتاب آرمان‌های هنرمندان باشند و تجربیات کهن را با زبان و شکلی نوین در صحنه به دیگران بنمایانند. از دیگر اهداف این شرکت، مورد توجه دقیق قرار دادن روح متون کهن با زبانی جدید است. از همین رو، همکاران هنرمند این کمپانی در جست‌وجوی راه‌هایی برآمده‌اند تا آن‌ها را با حفظ درونمایه به مردمان این روزگار نزدیک کنند. آثار شرکت تئاتری پرسونا به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی و تولید می‌شوند که بتوانند با احترام به احساسات و دیدگاه‌های مخاطبان تئاتر، آن‌ها را به طور فعال با نمایش‌ها درگیر کنند و به طور ذهنی و روانی بر آنان تاثیر بگذارند.

در این نمایش شهر پس از یک فاجعه مرگبار به تصویر کشیده می‌شود. «و خدا گفت» در مکانی بومی اما در زمانی نامشخص روایت می‌شود

### تصویری زنده

#### از بی‌دفاع بودن انسان

نمایش «و خدا گفت» محصول کشور نمایشنامه‌های کهن، یونان، در مکانی بومی اما در زمانی نامشخص داستان خود را پیش می‌برد. در این نمایش، شهری پس از فاجعه‌ای مرگبار به تصویر کشیده می‌شود. در این شهر تمامی حافظه‌ها درباره گذشته و تصورات آینده پاک شده است. در مکان نمایش یک زن، یک مرد و یک کودک حضور دارند که به دلیل پاک شدن احساسات شخصی و غیرشخصی‌شان، توانایی برقراری ارتباط با یکدیگر را از دست داده‌اند. زن و مرد نمایش «و خدا گفت» توجه خود را به کودک، به عنوان تنها سند وجودی خود معطوف می‌کنند. می‌بایست به کودک غذا داده شود، اما تمامی منابع و احساسات تغذیه و پرورش انسانی تحلیل رفته است. بنابراین، کودک نمایش به تصویر زنده‌ای از بی‌دفاعی کامل انسان تبدیل می‌شود، تصویری که بیش از همیشه معنا و مفهوم روزگاران کنونی و مشکلات حل‌ناشدنی زیستی ما را در خود جای داده است. «و خدا گفت» نمایشی است از شرکت تئاتری پرسونا، به کارگردانی آورا سیددیروپولو. سیددیروپولو مدیر هنری شرکت تئاتری پرسونا است که تمامی بودجه خود را از وزارت فرهنگ و سازمان‌های فرهنگی یونان و اتحادیه اروپا تأمین می‌کند.



## فضایی تلفیقی از جنگ جهانی دوم

«شمشیرهای ژنرال»، نوشته قدرت فتحی، مربوط به زمان جنگ جهانی دوم است. گروهی از پارتیزان‌هایی که با ارتش آلمان می‌جنگند، لو می‌روند و از ۱۲ نفر آن‌ها، تنها دو نفر زنده می‌مانند. این دو نفر پس از ۲۰ سال، برای شناسایی خائن‌ها رو در رو می‌شوند و ...



این نمایش اثری متفاوت از نمایش‌های قبل مسعود موسوی است، زیرا آثار قبلی وی گروتسک بودند ولی این بار نمایشی به ظاهر رئالیستی را می‌بینیم که در فضایی داستانی شکل خواهد گرفت. شیوه اجرا نیز طبیعاً رئالیستی است. با این وجود، در کل اجرا و در میان ۱۲ صفحه، صحنه‌های سورئال و اکسپرسیون نیز بنابر منطق صحنه مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

این جذابیت بنا بر تنوع دیداری موجب می‌شود تا بازی به ظاهر رئالیستی نیز در این فضا که با نور و دکور رنگ‌آمیزی شده است، از شیوه سورئال یا اکسپرسیون پیروی کند. بنابراین، بافت کلی بازی‌ها رئالیستی خواهد بود.

در اجرای «شمشیرهای ژنرال» طراحی صحنه حرف اول را می‌زند. در این باره با استاد نازاریان گفت‌وگو شده و بر پایه اندیشه بسیار، چنین امری تحقق یافته است. همچنین طراحی نور نیز به طور دقیق در این اثر رعایت می‌شود و از منابع نوری غیر از برق نیز در آن استفاده می‌شود تا بازیگران و فضا بیشتر حس شوند.

لباس‌ها در وهله اول رئالیستی‌اند، یعنی سعی شده منطبق با جنگ جهانی دوم و ویژگی جغرافیایی و اشخاص بازی طراحی شوند.

موسیقی نیز خیلی دقیق است و بر پایه تاریخ و جغرافیای اثر شکل گرفته است. در عین حال، در آن از تلفیق سبک‌ها نیز استفاده شده است. در بخشی از این نمایش، سرودهایی که در زمان جنگ جهانی دوم اجرا شده‌اند، با ترجمه به فارسی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

فضای اجرای «شمشیرهای ژنرال» طوری است که ناخواسته به تماشاگر می‌گوید: «نخند» همچنین قبل از آن که وی روی صندلی بنشیند، فضای مورد نیاز به هر شکل به او تحمیل می‌شود تا زمان لازم برای ارتباط گرفتن با تماشاگر ایجاد شود و به این ترتیب هیچ لحظه‌ای از اجرا از بین نمی‌رود. اجرا آغاز غافلگیرکننده‌ای دارد و مخاطب به طور کامل از این زاویه با تجربه تازه‌ای روبه‌رو خواهد شد.

در اجرای «شمشیرهای ژنرال» طراحی صحنه حرف اول را می‌زند و در طراحی نور از منابع نوری غیر از برق نیز استفاده شده است

## ۳۰ درصد پیشرفت در بخش پژوهش و انتشار

محمدحسین ناصر بخت، مدیر بخش پژوهش و انتشارات جشنواره تئاتر فجر

امسال در بخش پژوهش و انتشارات جشنواره از دو شیوه برای جذب آثار استفاده کردیم. یک شیوه مرسوم جشنواره‌ها، یعنی اعلام فراخوان بود و شیوه دوم ارائه پیشنهاد به دوستانی که در راستای مباحث مطرح شده، زمینه مطالعاتی داشتند و صاحب‌نظر بودند. موضوعات مطرح شده در بخش پژوهش امسال حول سه محور تئاتر خیابانی، تئاتر تجربی و تئاتر شهرستان‌ها بود.

۷ مقاله برگزیده در بخش اعلام فراخوان در یک مجموعه پژوهشی چاپ می‌شود. در همین راستا، کتاب‌شناسی تئاتر شهرستان‌ها به آقای علی تاجور سفارش داده شد که به همت وی کتاب آماده چاپ شد.

لازم به ذکر است از میان پیشنهادهایی که در سال‌های اخیر به شورای پژوهش انتشارات نمایش ارائه شده بود، کتاب‌هایی به این شرح آماده چاپ شد: «روند سریع‌تر هنر اجرا» نوشته رزلی گوردبرگ با ترجمه دکتر مریم نعمت طاوسی، «نقد تئاتر از نظر تا عمل» به همت دکتر فرشید ابراهیمیان، «بکت و نظریه آلبرتوبی» پژوهش بابک توکل، «تئاتر معاصر ایران» (به زبان انگلیسی) به همت محمداطیابی، «توسعه تئاتر، ضرورت‌ها و راهکارها» زیر نظر دکتر علی منتظری.

در بخش تولید متون نمایشی، طبق روال سال‌های گذشته، ۷ نمایشنامه ایرانی، پس از اعلام فراخوان و انتخاب آثار آماده چاپ شدند. این نمایشنامه‌ها در کنار دو نمایشنامه «تهران ۱۳۹۰ خورشیدی» نوشته سلما سلامتی و نمایشنامه «حافظه خفاش» نوشته فریبا ثمر در بخش نمایشنامه‌خوانی جشنواره حضور دارند.

در این بخش، چهار مجموعه دیگر نیز آماده چاپ شده‌اند. مجموعه نمایشنامه‌های ایوب آقاخانی، نمایشنامه‌های برگزیده فصل انقلاب و دفاع مقدس از دوره‌های چهار فصل تئاتر ایران، مجموعه نمایشنامه‌های نمایشنامه‌نویسان استان فارس و نمایشنامه «این قصه را ایرانیان نبشته‌اند» نوشته علیرضا نادری آثاری‌اند که آماده ارائه به مخاطبان آثار نمایشی خواهد بود. همه این کتاب‌ها در کنار دو کتاب «بازار تئاتر ایران» و کتاب «مجموعه عکس و پوستر جشنواره» ۱۶ جلد کتابی را تشکیل می‌دهند که در جشنواره امسال ارائه خواهد شد.



امسال از حیث کمیت نسبت به سال گذشته ۳۰ درصد پیشرفت داشته‌ایم که نشان دهنده دغدغه‌ای است که دوستان پژوهشگر، نویسنده و نمایشنامه‌نویس ایران نسبت به حضوری پویاتر در فضای هنر نمایش کشور داشته‌اند. از نظر کیفیت نیز این مخاطبان محترم هستند و باید تلاش ما و دوستانتان را به پوته داوری بگذارند و نظر بدهند.

تلاش ما در این دوره بر این بود که اولاً انتشار کتاب‌های پژوهشی را افزایش دهیم و بعد از تمام ظرفیت نمایشنامه‌نویسی کشور استفاده کنیم تا دوستان جوان در کنار قدیمی‌ها و پیشکسوتان این عرصه آثارشان را آماده چاپ ببینند.

در نهایت امیدوارم آثار هنری که چاپ خواهد شد، بازتاب حساسیت نسل امروز نسبت به وقایع روز باشد و نیازهای معاصر تئاتر کشور را برآورده سازد.





دون کیشوت / عکس: مانی لطفی زاده



مهدی حسینی / پرده خوانی اجرادر تماشاخانه ایرانشهر



تهران ۱۳۹۰ / عکس: مانی لطفی زاده

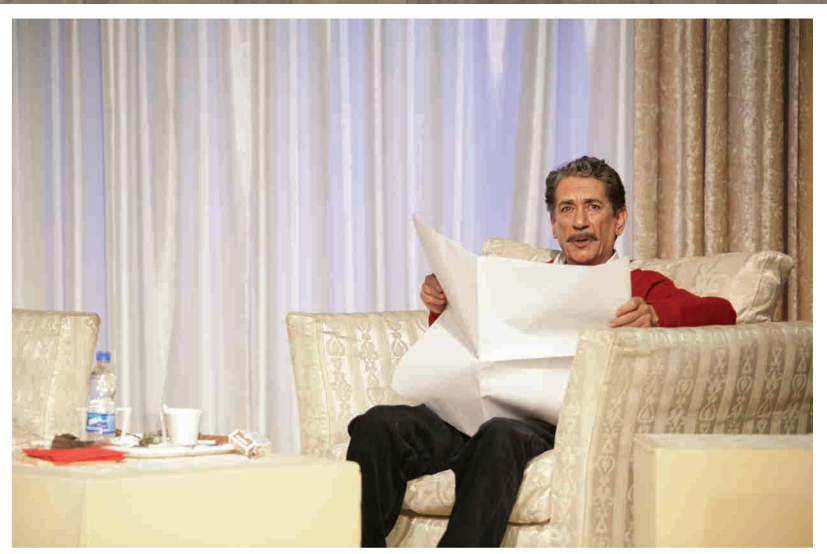


الگوی مصروف / عکس: اکبر ترابی



گیگمش / عکس: رؤفہ رستمی

اجرای نمایش‌های خیابانی محوطه تئاتر شهر / عکس: حسن هندی



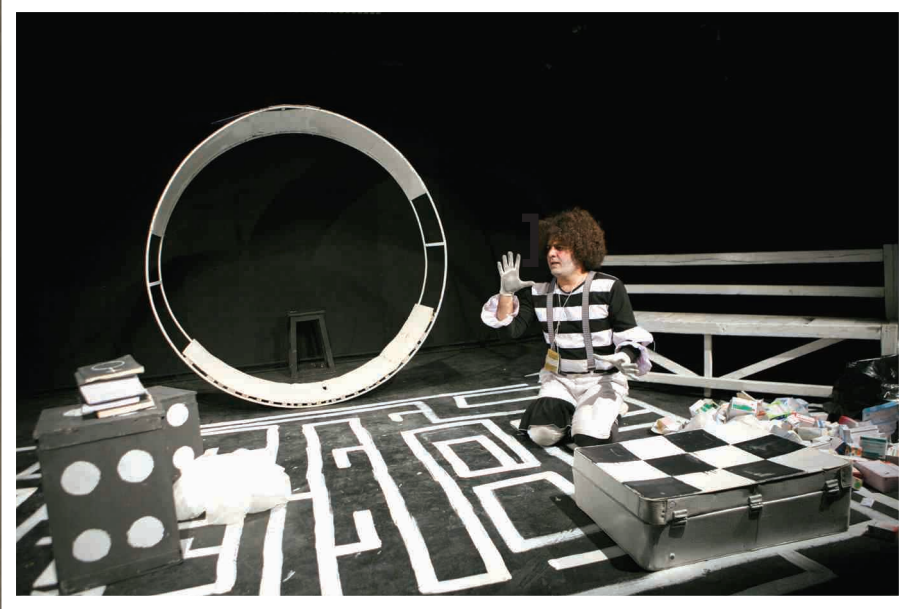
یکی مثل همه / عکس: ناصر عرفانیان



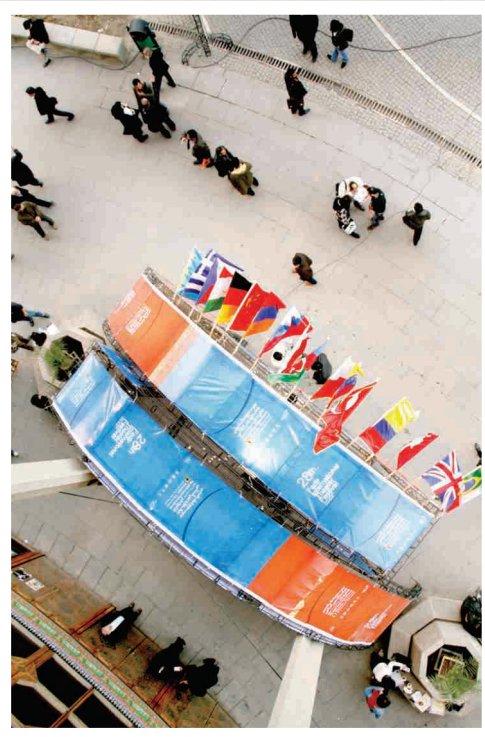
حجاب شیشه / عکس: رؤفہ رستمی



قلاده برای سگ مرده/عکس:مانی لطفی‌زاده



رو مولوس کبیر/عکس:رضا معطریان



محوطه نما تئاتر شهر/عکس:اکبر تریبی



کهربا/عکس:رضا موسوی



به سرعت‌گیر نزدیک می‌شوید/عکس:احمد نشان

ماه زدگان/عکس:رضا موسوی







«هفت علیه تب» به کارگردانی آوارو آرکوس از کلمبیا

## پادشاه تب، در اندیشه فردایی بهتر

عکس: حسن هندی

### درهای باز برای تمامی هنرمندان

مؤسسه به روی تمامی هنرمندان کلمبیایی و غیرکلمبیایی که به فردایی بهتر می‌اندیشند و در تلاش‌اند تا آگاهی‌رسان باشند، باز است. مؤسسه تئاتری کالی در تمامی طول سال از روزهای پنجشنبه تا شنبه برای عموم و عصرهای سه‌شنبه تا جمعه برای مدارس برنامه اجرا می‌کند.

با هدف یاری‌رسانی به دیگران از طریق جادوی صحنه (به‌طور ویژه) و پرداختن به هنر نمایش (به‌طور عام) پایه‌گذاری شد. بنا به گفته دست‌اندرکاران این مؤسسه تئاتری، کالی با اهداف و راهبردهای ویژه به کار خود ادامه می‌دهد و تاکنون نمایش‌های بسیاری را در چهارگوشه جهان به صحنه برده است. درهای این

نمایش «هفت علیه تب» اثری است از آمریکای لاتین (کلمبیا) که در بخش بین‌الملل تئاتر فجر امسال حضور دارد. این اثر نمایشی محصول گروه تئاتری «کالی تیاترو» است که آوارو آرکوس آن را به صحنه برد. گروه تئاتری کالی بنیادی غیرانتفاعی است و به دست آوارو آرکوس در سال ۱۹۸۹

### بزرگداشت زندگی

نمایش «هفت علیه تب» از کلمبیا داستان مشهور ادیب شهریار را بازگو می‌کند که در آن، لایو پادشاه کشور تب با آرزوی داشتن فرزند پسر، با همسرش یوکاستا زندگی می‌کند. او برای رسیدن به خواسته خود نزد اوراکولو می‌رود اما سه بار گفته می‌شود که پادشاه «تب» باید از این آرزوی خود صرف نظر کند زیرا بازماندگان او در آینده کشور را به نابودی خواهند کشاند. بر خلاف توصیه‌های «اوراکولو»، لایو به تلاش‌های پزشکی خود ادامه می‌دهد تا این که یوکاستا باردار می‌شود. بعدها لایو از کار خود پشیمان شده و تصمیم می‌گیرد پسر خود را بکشد. اما ادیب، آگاه از نیت پدر از تب فرار کرده، به نقطه نامعلومی می‌رود. در نهایت، ادیب ناآگاهانه پدر خود را می‌کشد و بر تخت سلطنت می‌نشیند. آوارو آرکوس، کارگردان این نمایش، در توضیحات خود دلیل به صحنه بردن این تراژدی کهن یونانی را به رغم وقوع در فضایی دگرگون، جغرافیای پرداخت به موضوع این داستان دانسته است؛ موضوعی که در حال حاضر گریبانگیر کشور کلمبیا و یکی از معضلات جهانی است. آرکوس بر این باور است که این نمایش با بزرگداشت زندگی آغاز می‌شود اما در پایان با مرگ، نیستی و برادرکشی به انتها می‌رسد. گویی که تنها در گور می‌توان به صلح و آرامش دست یافت.

به عقیده کارگردان، نمایش «هفت علیه تب» با بزرگداشت زندگی آغاز می‌شود و در پایان با مرگ نیستی و برادرکشی به انتها می‌رسد

### ۴۰ سال فعالیت مستمر

آرکوس طی ۴۰ سال کار مستمر تئاتری، نمایش‌های زیادی را از نویسندگان مطرح و مشهور معاصر به صحنه برده و به عنوان هنرمندی که در گسترش و اعتلای هنر تئاتر کلمبیا نقش بسزایی داشته است، شناخته می‌شود. وی در ۲۰ سال گذشته خود را وقف مؤسسه تئاتری «کالی تیاترو» کرده و به عنوان مدیر این مؤسسه سفرهای مطالعاتی بسیاری به کشورهای اروپایی و آمریکایی داشته است. همچنین آرکوس تاکنون به عنوان تهیه‌کننده و کارگردان، نمایش‌هایی از آنتون چخوف، اوژن یونسکو، فدریکو گریسالورکا، برتولد برشت و تعدادی از نمایشنامه‌های کهن یونان را به صحنه برده است.

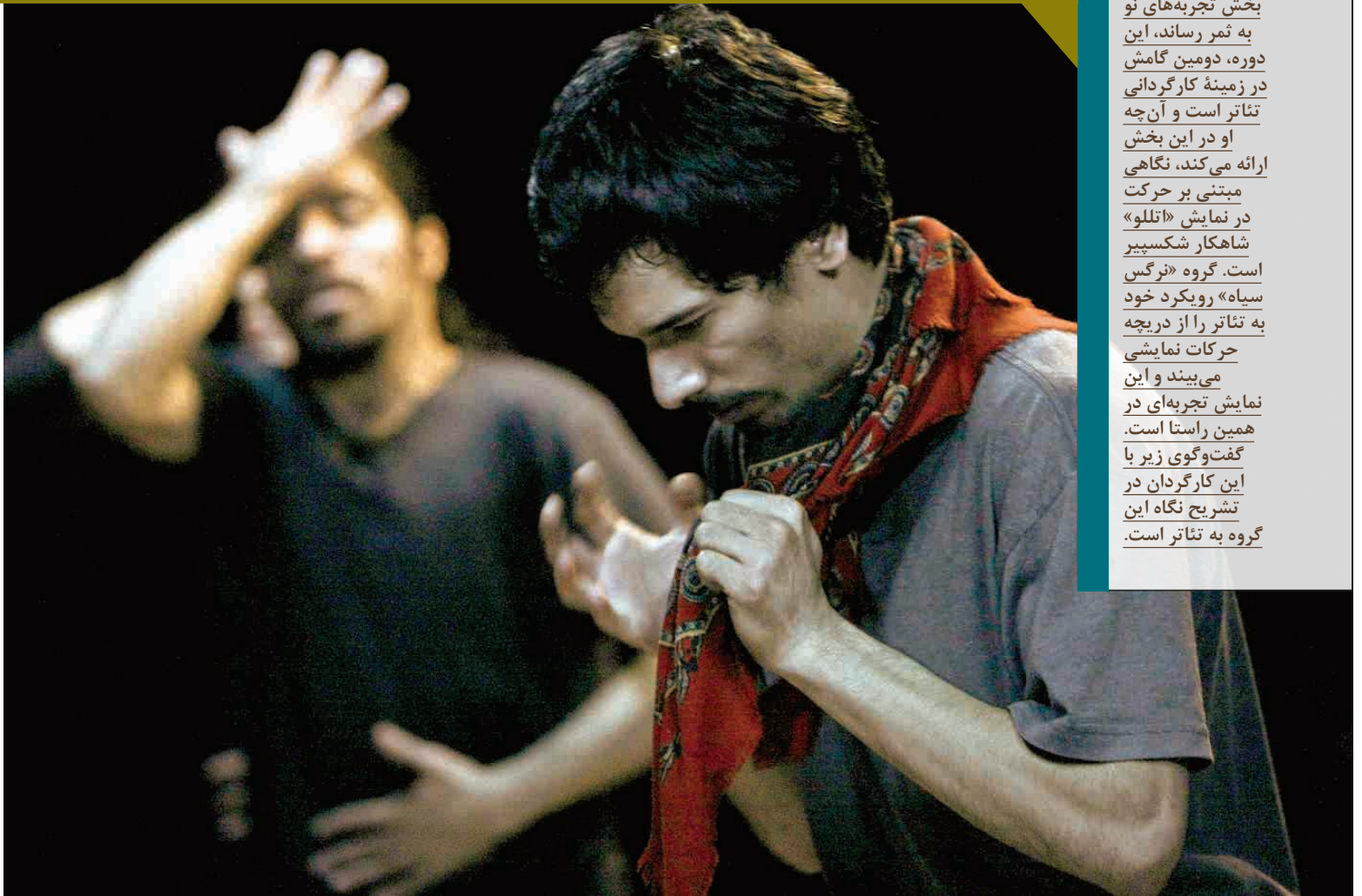
آوارو آرکوس متولد ۱۹۴۷ از دانشکده هنرهای زیبای شهر کالی کلمبیا، در رشته هنرهای دراماتیک فارغ‌التحصیل شد. وی زیر نظر استادانی چون انریکو بوئناونتورا، اکتاویو مارولاندا، فرناندو گونزالس که در آن زمان عضو هیأت علمی مدرسه تئاتر کالی بودند، تجربیات ارزشمندی را کسب کرد. وی در ادامه فعالیت‌های تئاتری خود در پاریس، دانمارک و نیویورک با گروه‌های تئاتری مطرحی همکاری داشته است. این هنرمند، جایزه ملی تئاتر دانشجویی را برای کارگردانی نمایش‌هایی چون اقتباس برتولد برشت از آنتیگون سوفکل به خود اختصاص داده است.



عاطفه تهرانی، کارگردان نمایش «اتللو»:

## وقتی که بدن حرف می‌زند

عاطفه تهرانی که سال گذشته اولین تجربه کارگردانی خود را با ارائه نمایش «بخوان» در بخش تجربه‌های نو به ثمر رساند، این دوره، دومین گامش در زمینه کارگردانی تئاتر است و آنچه او در این بخش ارائه می‌کند، نگاهی مبتنی بر حرکت در نمایش «اتللو» شاهکار شکسپیر است. گروه «نرگس سیاه» رویکرد خود به تئاتر را از دریچه حرکات نمایشی می‌بیند و این نمایش تجربه‌ای در همین راستا است. گفت‌وگوی زیر با این کارگردان در تشریح نگاه این گروه به تئاتر است.



و نیز درباره جنگ را حذف کردیم. همچنین پاره‌ای از صحنه‌ها در این نمایش وجود دارند که توضیح روایی ندارند، مثل این که حسادت «یاگو» از چه زمانی و به چه دلیلی آغاز شد و چرا می‌خواهد از «اتللو» انتقام بگیرد؛ یا «اتللو» چطور عاشق «دزد مونا» شد و «دزد مونا» چطور عاشق شد. حس «یاگو» در تنهایی‌اش چه بود. در مجموع و در شکل کلی، ما به سراغ صحنه‌های اصلی رفتیم و همان طور که گفتیم، به صحنه‌هایی مانند «دوک» و «فرماندار» و «رودریگو» و «یاگو» کم‌تر پرداختیم.

**طراحی صحنه در «اتللو» بر چه عناصری تکیه دارد؟**

فضایی که «اتللو» در آن اتفاق می‌افتد فضای تلخی است. من با مشورت طراح صحنه‌ام (حامد سلطانی) تصمیم گرفتیم که روی سایه تکیه کنیم؛ یعنی این که درون دکور فضایی خلق شود که تماشاگر مرتب با سایه و خط مواجه گردد. طراحی لباس هم منطبق با اتفاقی است که بر روی صحنه می‌افتد. موسیقی هم همین‌طور است، یعنی طبق اتفاقی که در صحنه می‌افتد موسیقی به همراه تصاویر و اضافه می‌شود. موسیقی ما انتخابی است و کمک بسیاری به زنده کردن اتفاق‌ها می‌کند.

من تمام تجربه‌ام را به کار گرفتم تا در طراحی حرکت‌ها و شکل‌دهی میزانشن‌ها این حس را آزاد بکنم. ما کوشیدیم تکنیک‌های حرکتی را در این نمایش گسترش دهیم. بسیاری از حرکات را امتحان کردیم و ظرفیت، گستردگی و کارایی آن‌ها را افزایش دادیم. برای هر صحنه، حدود ۲۰۰ عکس گرفتیم که از آن میان، پس از بارها چینش و گزینش، در نهایت به ۴۰ عکس رسیدیم. این عکس‌ها نهایی است و به لحاظ زیبایی‌شناسی و قدرت انتقال واقعاً کارایی دارند. خط میزانشن در «اتللو» همان است که در «بخوان» بود. در طراحی، من بر عنصر تضاد بسیار تکیه کرده‌ام. اتللو هم‌زمان که فریاد می‌کشد و تنفر دارد، عاشق هم است. این تضاد حسی در بدن بازیگران پنهان است و حرفش را به خوبی به جای دیالوگ می‌زند.

**در اجرای «اتللو»، آیا منطق روایی نمایشنامه حذف شده یا نه، دچار تغییر گردیده است؟**  
ضربانگ و جان اصلی صحنه‌های آن اثر در کار ما وجود دارد. برخی صحنه‌ها به لحاظ داشتن ظرفیت برای پرداخت بسیار جالب می‌نمود که ما روی آن‌ها تأکید کردیم. ولی بعضی از صحنه‌های مربوط به صحبت‌های درباریان، سران

**از هر صحنه ۲۰۰ عکس گرفتیم. بر اساس این عکس‌ها بسیاری از حرکات را امتحان کردیم و ظرفیت گستردگی و کارایی آن‌ها را افزایش دادیم**

به این نتیجه رسیدیم که دیالوگ در نمایش ما چندان کارکرد ندارد. جدای از این، تصمیم هم نداشتیم که دیالوگ‌ها را تصویر کنیم؛ چون در بهترین حالتش به پانتومیم می‌رسیدیم و ما نمی‌خواستیم پانتومیم کار کنیم. همه هدف ما این بوده که تمام احساسات نهفته در درون شخصیت‌های آن را زنده و به تماشاگر منتقل کنیم. این کار سختی است که به واسطه حرکات، بدن، اتللو، پر از تضاد را نشان داد و احساس‌های توأمانش را به مخاطب منتقل و دو حس او را به طور موازی زنده کرد.

**برای رسیدن به این هدف، در حوزه طراحی حرکت چه کردید؟**



**پس از تجربه «بخوان»، چه شد که سراغ «اتللو» رفتید؟**

در وهله اول، خواست من این بود که روی متنی کار کنیم که هم دیالوگ داشته باشد و هم حرکت تا بتوانیم روی آن، زبان بدن را پیاده کنیم. من تمایل به انتخاب یک متن کلاسیک داشتم، متنی که همه آن را خوانده و با آن آشنایی داشته باشند؛ متنی که از آن اجراهای متنوعی انجام شده و همه آن را بشناسند. خودم به شکسپیر علاقه‌مندم و از میان نمایشنامه‌های او «اتللو» برایم بسیار جذاب‌تر است، چون حس می‌کنم که تضاد در شخصیت این نمایشنامه به اوج می‌رسد. عشق و نفرت، اعتماد و شک را توأم می‌توان در این نمایشنامه و در آدم‌هایش دید. «اتللو» در عین قدرتمندی، بسیار ساده‌اندیش و حسود و «یاگو» با آن ظاهر مثبت، دارای باطنی بسیار خبیث و منفی است. وقتی در تمرینات جلو آمدیم،

**عشق و نفرت، اعتماد و شک را توأم می‌توان در این نمایشنامه و آدم‌های آن دید**



## موقعیت انسان در جنگ

«جای پای خالی» به کارگردانی عبدالمحمد سالاری و اعظم السادات حسینی



کارگاهی شکل گرفته است. برآیند چندین اتود تمامی لحظات این نمایش را ممکن ساخته است. به نظر می‌رسد در مجموع، تصویرسازی ملاک و معیار بوده است. فضای «جای پای خالی» کاملاً استیلیزه و در آن از عناصر بومی و منطقه‌ای استفاده جدید شده است. هرمزگان و بندر لنگه دارای بافت فرهنگی خاصی است و این گروه بر آن بوده تا بخشی از آیین‌ها و مراسم فرهنگی این منطقه را به صورت دیگرگونه‌ای برای مخاطبان تئاتر اجرا کند. بنابراین، همه چیز در خدمت تئاتر قرار می‌گیرد و آیین‌ها بر صحنه تئاتر چیره نخواهند شد. در این فضای خالی از همه چیز، دو مکعب بازی‌ساز بازیگران است و یک پارچه بلند آبی که دریا را نمایان خواهد ساخت. بنابراین، حضور بازیگران چشمگیرتر خواهد شد تا آن‌ها با بیان بدنی در تمامی لحظات بکوشند و همین امر خود فضای خاصی را به وجود می‌آورد. تأکید کارگردان به بیان عناصر بومی نیز در همین شیوه بازیگری نمود می‌یابد. عناصری مانند خرما، نخل و دریا جزء جدایی‌ناپذیر این منطقه‌اند. در این نمایش، سه دریا حضور دارد؛ یکی همان دریا، دومی معشوق یکی از غواص‌ها و سومی همسر یکی دیگر از غواص‌ها است. عبدالمحمد سالاری جوان ۲۰ ساله‌ای که هم‌اکنون دانشجوی تئاتر در دانشگاه سوره تهران است، علی‌رغم نبود امکانات در بندر لنگه، قطعاً می‌تواند حضور پررنگی در عرصه تئاتر کشورمان داشته باشد.

می‌کند زیرا ارتباط مستقیمی با تصمیم‌گیری آن‌ها در محیطی به نام جنگ دارد.

نمایش در یک سالن دو سوپه اجرا می‌شود. دو بازیگر در لباس غواصی دیده می‌شوند، در حالی که یک بازیگر زن در لباس دریا آمد و شد می‌کند. در گوشه‌ای نیز یک نخل فلزی قرار دارد و چند سبید خرما! نمایش یک اجرای معمولی و روان دارد که در آن بازی‌ها به صورت

**در این نمایش که نگاه دوباره‌ای به انسان و موقعیت او در جنگ دارد فضای کاملاً استیلیزه است و در آن از عناصر بومی و منطقه‌ای استفاده جدید شده است**

غواص‌ها خاطرات خود را با دریا غوص می‌کنند. مهم‌ترین بحث نمایش «جای پای خالی» که نویسنده آن حسین ابراهیمی و کارگردان آن عبدالمحمد سالاری و اعظم السادات حسینی هستند. ارتباط میان انسان‌ها است. در این نمایش، نگاه دوباره‌ای به انسان و موقعیت او در جنگ انداخته می‌شود. بنابراین، ارتباط میان انسان‌ها و عواطفشان اهمیت پیدا

«ماه‌زدگان» به کارگردانی بهرام تشکر

جشنواره جشنواره‌ها  
Festival of Festivals

## اصل اول، سرگرمی و لذت



فضاسازی، دیالوگ‌نویسی ظریف در قالب شخصیت‌پردازی و جذابیت‌های سه شخصیت نمایش، از جمله ویژگی‌های اجرای این نمایش است

چند ماهی است که با هم تمرین می‌کنند و چندین بار نیز آن را اجرا کرده‌اند. این گروه برای اولین بار به مناسبت ارائه پایان‌نامه کارشناسی ارشد بهرام تشکر این نمایش را اجرا کرد. بعد نوبت به جشنواره «ماه» رسید که به عنوان نمایش برگزیده معرفی شد. همین فرآیند طولانی، اطمینان و اعتماد به نفس فزاینده‌ای را به بازیگران تزریق کرده است. آن‌ها در طراحی بازی‌ها تأثیر گذار بوده‌اند. بهنام تشکر، سام کبودوند و تینو صالحی بازیگران نمایش «ماه‌زدگان» هستند.

موسیقی اثر، انتخابی و برگرفته از راک و سبک‌های دیگر است که اصلاً با هم همخوانی ندارند. این اختلاف موسیقایی نیز در خدمت اجراست. گریم کاربردی است و روی صورت بازیگران از سایه و خون استفاده می‌شود. در روند اجرا، با طراحی گریم، آرام آرام شخصیت‌ها شناسانده خواهند شد. در این اجرا، سرگرم‌کننده بودن یک اصل اساسی است. از این‌رو، در وهله اول مخاطب باید از نمایش لذت ببرد و بعد به نکات مفهومی و زیبایی‌شناسانه اثر توجه نشان دهد. برای اجرای این نمایش بازیگران

مطلوب‌تری بهره‌مند شود. این طراحی، نمادین و در واقع، درونیات شخصیت‌هاست که به سوی نوعی مینی‌مالیسم رفته است. طراحی لباس کاملاً کاربردی و از تعریف معمول خود فاصله گرفته است. در واقع، میزانشن از لباس هر سه شخصیت به شکل کامل استفاده کرده و این نوع طراحی برای معرفی شخصیت‌ها کاربرد پیدا می‌کند. در اجرا، تأکید زیادی بر نور نشده است؛ اما نور موجود در خدمت فضاسازی است و برای نشان دادن طراحی صحنه کاربرد دارد.

همساق به دنبال برادر گمشده‌اش به یک مسافرخانه در شهری متروک می‌رود. او در مواجهه با چلک و کابوس دچار مشکلاتی می‌شود و ... متن گروتسک و به تبع آن اجرا هم گروتسک است. فضاسازی‌ها، دیالوگ‌نویسی ظریف در قالب شخصیت‌پردازی و جذابیت‌های سه شخصیت نمایش، از جمله ویژگی‌های اجرای این نمایش است. کارگردان، توضیحات مربوط به طراحی صحنه نویسنده را کنار گذاشته است تا با توجه به شرایط و شیوه اجرایی خود، از طراحی

**در این اجرا سرگرم‌کننده بودن یک اصل اساسی است. از این‌رو، در وهله اول مخاطب باید از نمایش لذت ببرد و بعد به نکات مفهومی و زیبایی‌شناسانه اثر توجه نشان دهد**



«دویدن با زخم کف پا» مثل تمام آثار قبلی علی نرگس‌نژاد داستان یک خانواده است. نمایش حول ارتباط یک دختر جوان و پدر و مادرش می‌گذرد. دختر مشکل زبانی دارد و پدر دچار عارضه ذهنی است. او یک بره گمشده دارد. خشونت از منظر زبان، مهمترین ویژگی این متن است.

نرگس‌نژاد معتقد است که خشونت در جامعه گاهی بنابر شرایط، بالا می‌رود و این موضوع ناخواسته بر قلم نویسنده تاثیر می‌گذارد.

دریافت این نویسنده و کارگردان این است که ریشه عمومی خشونت در زبان نهفته است. فراتر از این‌ها، زبان خود یک مسأله است. علاوه بر طرح خشونت از منظر زبان که مهم‌ترین ویژگی این متن است، باید به این مقوله ضرورت اجتماعی را نیز افزود که موجب اجرای این متن شده است. این در حالی است که در این اثر هیچ ارجاع عینی به اتفاقات اخیر نمی‌شود.

کارگردان بیش از هر چیز، به قابلیت‌های اجرای شبیه‌خوانی در اجرای اخیرش توجه داشته است. او بر آن بوده است تا تکنیک‌های تعزیه را به شکل مدرن به کار گیرد. نرگس‌نژاد در طراحی صحنه نیز در ابتدا صحنه را خالی از هر چیزی می‌پندارد و بعد بنا بر نیاز از امکانات و وسایلی بهره‌مند می‌شود. او روی سکو عناصر و طرح‌های ایرانی را به کار می‌گیرد. صحنه بسیار ساده است و کل نمایش با سه صندلی اجرا می‌شود.

نور نمایش طراحی پیچیده و کارکرد دراماتیکی ندارد و لباس هم کاملاً روزمره است.

موسیقی نمایش «دویدن با زخم کف پا» که ایده اولیه‌اش از موسیقی تعزیه گرفته شده توسط علی شهبازی ساخته شده است و در آن، گوشه‌ها و ردیف‌های آوازی و دستگاه‌های ایرانی نقش اساسی دارد. در این موسیقی، سازهای کرنا و نقاره وظیفه اصلی را بر عهده دارند و همین بر اصالت موسیقی به کار گرفته شده در این اثر می‌افزاید. در عین حال، سازنده موسیقی از پیانو و موسیقی فولکلور لری جنوب برای ایجاد فضاسازی استفاده کرده است.

«دویدن با زخم کف پا» به نویسندگی و کارگردانی علی نرگس‌نژاد

## تاثیر خشونت بر صحنه نمایش



کارگردان بیش از هر چیز، به قابلیت‌های اجرای شبیه‌خوانی توجه داشته و تکنیک‌های تعزیه را به شکل مدرن به کار گرفته است





رضا صابری، نویسنده و کارگردان نمایش «ما همه اهل یک محله ایم»

# نمایش تجربی بایان



همین زوارکش‌ها در کشمکش میان خود برای جلب زوار، به دروغ‌گویی و ریاکاری متوسل می‌شوند. چه ارتباطی میان نام نمایش و مضمون آن وجود دارد؟ عموماً، مشهدی‌ها به واسطه عشق و علاقه خاصی که به صحن شریف رضوی دارند، خود را به نوعی هم محله امام رضا(ع) می‌دانند. آنان بر این عقیده‌اند که مجاوران و امام هشتم (ع)، همه اهل یک محله‌اند؛ محله‌ای به نام رضا که نام نمایش بر پایه همین عقیده برگزیده شده است. در معنای گسترده‌تر می‌توان نام نمایش را وسیع‌تر و آرمانی‌تر دید، این که ما همه اهل یک وطن و سرزمینیم. موسیقی نمایش زنده است و از ظرفیت‌های موسیقی منطقه سود

مسیر حرکت این قشر است و این‌که بیشتر زوارکشان فعلی به هیچ عنوان مشهدی و خراسانی اصیل نیستند و متأسفانه برخی از آنان به جای زوارکشی به شیادی می‌پردازند. البته در توضیح بیشتر درباره این پدیده باید بگویم زوارکشی عموماً در شهرهای مذهبی، به‌ویژه در کلان‌شهر مذهبی مشهد از ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی برخوردار است. مشهد با وجود داشتن تعداد زیاد مسافرخانه، هتل و مهمان‌پذیر باز هم پاسخگوی جمعیت زائر و گردشگری که به آن مسافرت می‌کنند، نیست. در چنین شرایطی، تعداد اندکی از مهاجران خراسانی به شغل مقطعی زوارکشی مشغول‌اند و از راه جذب زوار درصدی از مبلغ را دریافت می‌کنند. پیداست برخی از

این نمایش به لحاظ مضمون دو پهلو است، در مورد دو لایه این نمایش توضیح می‌دهید؟ یک لایه، لایه پنهانی نمایش است؛ آن هم در بیان نمادین و سمبلی، یک زوار عربستانی به دعوت پسر عمویش قاسم‌خان که از زمین‌داران امروز شهر توس است به خراسان سفر می‌کند. پیشامد آن اتفاقاتی رخ می‌دهد. اما لایه آشکار نمایش به بخشی از قشر کم‌رنگ زوارکش‌ها می‌پردازد، قشری که به ظاهر میهمان‌دار و سفره‌دار زوار امام هستند، اما در پنهان با دروغ‌گویی و ریاکاری به نارضایتی زوار امام دامن می‌زنند. با چه هدفی پدیده زوارکشی را وارد موضوع نمایشتان کردید؟ هدف اولم به نوعی بیان نادرستی‌های



## در حکایت آن بازیگر که قولش قول بود:

در طریق و عادت بازیگران شهره در هر منزل و هر انجمن نان خود را زین سبب قاضی کند گاه بنشیند به جای این و آن

این حکایت بشنو از صاحب بیان کیست بازیگر؟ یکی از اهل فن نقش‌ها را کاود و بازی کند جلد پوشد در حضور دیگران

سه نوع اند و سه تا برخورد دارند عجیباً خصلتی ایزورد دارند ولی بی‌نظمی در خورد دارند حضوری بی‌غش و آزد دارند

و در انواع بازیگران گوید: بدان بازیگران در صنعت خویش یکی از دسته‌ها بدقول و اخلاق و تعدادی دگر در کار ماهر و سوم دسته کمیاب هم هست

که گروه از وی فتادی در جنون روی صحنه دائماً می‌زد تپق ضرب و شتمی داشت در کوی و کنار کار او دشنام و رسمش قلدری می‌کشید از سایرین دائم فوکوس بازی خلاقه و فابریک داشت در غرور کاذب خود بود گم

و در بازگشت به داستان اصلی ... قصه بازیگری گویم کنون بی‌حیا و بی‌سواد و بدعق گاه گاهی با جناب دستیار خبره در غوغا و در بازی خوری تلخ مشرب، زهر دندان و عبوس گرچه او در کار خود تکنیک داشت لیک از حیث تعهد گُلهم

### در نکوهش غرور و همچنین کارگردان صبور گوید:

مشت پوچ خویش را وا می‌کند بعد از آن رفتار او ناجور شد شد گروه از دست او در شش و بش ایستد محکم چنان البرزکوه بشکند بازیگر مغرور را

آدم مغرور بد تا می‌کند چون که یک بازیگری مغرور شد کرد در تمرین فضا را پرتنش زود باید کارگردان گروه در میان آرد تمام زور را

«باز گردیم بر سر مطلب»

در بازگشت به داستان اصلی ... گرچه بر من نموده‌ای تو غضب

### و القصة:

ادعا و عشو و اطوار داشت او ورا بسیار خندیدی به ریش بهر آن صد نکته و تفسیر داشت گاه در سوگ عزیزی می‌نشست گاه اوت و گاه بودی آفساید جمله در احوال او بودند گیج گوشی او بود بر پیغام گیر

توی هر جشنواره \* ده تا کار داشت تازه‌کاری گر ورا را آمد به پیش در تمام کارها تأخیر داشت گاه پیش گاه دستش می‌شکست گاه بودی در ترافیک زیاد بس که در تمرین، او می‌خورد بیج دستیاران در بی‌اش گشتند پیر

### در این میان، در احوال بازیگر خوش قول گوید:

مرتب گرم تمرین بود در رشت به شدت گل کند، نومید برگشت

یکی بازیگری نالان در این دشت بیامد سوی تهران تا در این جا

### در ایراد پیام اخلاقی حکایت گوید:

شهرت بد قولیش برد آبرو آن یکی بر انتخایش خط کشید که چرا آرم سر خود دردرس؟ در کنارش، پشت سر یا مستقیم آن چنان بازیگری شد کارمند بعد از آن شاگرد دکان‌دار شد صافکار و کارپرداز و سپور از طریق و کار خود راضی نبود بی‌تماشگر که گوید آفرین زندگی بازی و بازی زندگی است

بعد از آن رفتار ناهنجار او بد نظر شد کارگردان جدید گفت این را کارگردان دگر خسته از او جمله یاران قدیم حرف‌های بیشماری می‌زدند چند ماهی اولاً بیکار شد شد زرزوشن در هتل‌های نمود آن‌چه در آن بود، بازی نبود نقش‌های صحنه‌های راستین الغرض، این حرف استانیلاوسکی است

\* جشنواره همان جشنواره است که در اینجا مراعات حال وزن را می‌کند

جشنواره جشنواره‌ها

Festival of Festivals

## «گلف» به نویسندگی و کارگردانی نعمت زمان‌پور

# جنگ میان عروسی و عزا

نوشته و اجرا شده است. شیوه اجرایی متکی به فاصله‌گذاری است و فرم روایتی قصه به شکل دورانی و به طور غیر مستقیم روایت‌ها را مطرح می‌کند. بازی در این اثر به شیوه واقع‌گرایی نظر دارد و تا آنجا که ممکن است بازیگران لحظات را به واقعیت‌ها تبدیل می‌کنند. این در حالی است که بازی‌ها از رگه‌های فانتزی نیز بی‌بهره نیستند. طراحی صحنه کاملاً کم‌حجم و چندبعدی است. برای ترسیم چادرها از طناب سفید استفاده شده و در ترکیب‌بندی و میزانشن نیز بر داخل، بیرون، جلو و پشت چادرها تأکید می‌شود، آدم‌ها نیز چند بعدی‌اند.

تحمیلی دارای جنبه‌های دراماتیک بالایی است. در عین حال، هنوز هم ناگفته‌هایی از این جنگ باقی مانده است که نمایش می‌تواند به بیان آن‌ها بپردازد. «گلف» هم با چنین هدفی

**یک راوی اصلی به نام سلو که پسر ساده و خل‌وضعی است، قصه‌ها و اتفاقات را در شرایط جدی بیان می‌کند اما در واقع ماهیت طنز دارد**

مسجد سلیمان بمباران می‌شود و مردم به صحرای گلف و اطراف شهر پناه می‌برند. در آن‌جا، بین دو خانواده درگیری می‌شود. رستم و آقایار دو برادرند. «اسمال» پسر آقایار تازه از جنگ آمده چون پدرش بیمار است و شهر بمباران شده است. از سوی دیگر برادر کوچک‌تر هم می‌خواهد روانه جبهه شود. خانواده درصدد است تا پیش از مرگ احتمالی آقایار، اسمال با دختر رستم ازدواج کند. در حین عروسی، پدر می‌میرد. در این نمایش، نوع نگاه و زاویه دید نویسنده به مقوله جنگ تحمیلی متفاوت است. اگر چه این اتفاق‌ها در طول تاریخ افتاده، اما جنگ



سیدمحمد عباس‌زادگان  
مدیرعامل بیمه «نوبین»:

## تئاتر، حوزه مورد توجه بیمه‌نوبین است



سیدمحمد عباس‌زادگان، مدیرعامل بیمه نوبین است. او دارای دکترای برنامه‌ریزی درسی و از جمله مدیران با سابقه و خوشنام کشور است. معاونت گمرک ایران، معاونت منطقه آزاد و عضویت در هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی از جمله سوابق وی به شمار می‌آید. دکتر عباس‌زادگان در زمینه تألیف کتاب‌های دانشگاهی نیز حضور گسترده و اثرگذاری داشته است. بیمه «نوبین» که وی مدیرعاملی آن را برعهده دارد نیز تاکنون از فعالیت‌های هنری حمایت‌های شایانی کرده است که از آن جمله می‌توان به حمایت از جشنواره بین‌المللی تئاتر برای دومین سال یاد کرد.

گفت‌وگویی کوتاه ما را با دکتر عباس‌زادگان می‌خوانید.  
بیمه نوبین براساس چه ضرورت‌هایی به حمایت از هنر تئاتر پرداخته و از چه زمانی این حمایت‌ها را آغاز کرده است؟  
در برنامه‌های سازمانی ما علاوه بر وظایف فنی و بازرگانی، برخی مسائل فرهنگی و اجتماعی نیز تعریف شده است. بنابراین برای توسعه برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی کشور در حد سهم و بضاعتمان خواهیم کوشید و همواره به دنبال ارتقای کیفیت برنامه‌ها هستیم. ما هدف‌گذاری خاص و ویژه‌ای را در مورد رشته‌های هنری مورد حمایتمان در نظر گرفته‌ایم. در سال‌های قبل برای توسعه مسائل فرهنگی و اجتماعی، همکاری‌هایی نیز با برخی نهادهایی که مأموریت ویژه‌ای در توسعه اجتماعی برعهده دارند، مانند کمیته امداد امام خمینی (ره) انجام داده‌ایم. اما به طور خاص، گروه هدفی که انتخاب کرده‌ایم هنرمندان هستند که در این بین ما هنرمندان تئاتر را به دلیل اهمیتشان برگزیدیم، زیرا در سال‌های اخیر هنرمندان تئاتر به نسبت هنرمندان دیگر عرصه‌ها، مهجور مانده‌اند و قدر و شأن آن‌ها شناخته نشده است. با این رویکرد، انگیزه برای توسعه تئاتر شکل می‌گیرد. بنابراین، حوزه تئاتر را به عنوان حوزه عملیاتی در حوزه اجتماعی خود پذیرفته‌ایم.

از بیمه‌ای که برای تقدیر از پنج هنرمند با سابقه تئاتر در نظر گرفته‌اید، برایمان بگویید.

در سال قبل بیمه حوادث و سوانح سالن‌ها و همه هنرمندان و حضاران را در طول برگزاری جشنواره تئاتر تقبل کردیم. امسال این بحث را توسعه دادیم و علاوه بر این، پوشش‌های بیمه‌ای مشارکتی را نیز برای تقدیر از پنج هنرمند با سابقه تئاتر خواهیم داشت تا به این هنرمندان بیمه حادثه و عمر تعلق گیرد. درواقع، این کاری است تا نشان بدهیم که حمایت از هنرمندان در برابر حوادث وظیفه اجتماعی بسیاری از نهادها در کشور است. همچنین در یک ضیافت، به صورت عمومی پیام تجلیل از هنرمندان را به نمایندگی از تمام نهادهایی که به هر دلیلی در ایران وظیفه توسعه اجتماعی و فرهنگی را دارند، به اطلاع مردم هنرمندان می‌رسانیم.

نام هنرمندانی که قرار است مورد تقدیر قرار بگیرند را عنوان می‌کنید؟

افرادی که در این مراسم مورد تقدیر و حمایت بیمه نوبین قرار می‌گیرند از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی شده‌اند. این هنرمندان با سابقه در تئاتر خدمات ویژه‌ای را انجام داده‌اند. آتیلا پسیانی، هادی نامور، محمدرضا خاکی، بهروز غریب‌پور و مریم معترف کسانی هستند که مورد حمایت قرار خواهند گرفت. این هنرمندان اگر در طول یک سال در هر جایی دچار حادثه بشوند، بیمه نوبین هزینه‌های معالجه آنان را تقبل می‌کند و اگر خدای ناکرده فوتی هم اتفاق بیفتد، مبالغی به خانواده متوفی پرداخت می‌شود.

## سمبلیک

می‌برد، به ویژه موسیقی سنتی و مقامی نواحی خراسان، استفاده از موسیقی زنده تا چه اندازه به جذابیت یک نمایش می‌افزاید؟

موسیقی نواحی خراسان به گمان من زنده‌ترین، لطیف‌ترین و انسانی‌ترین نواها و آواهای جغرافیای خراسان است. یک‌جا کوه‌های بلند و سر بر ابرها نهاده و یک‌جا کویر گرم و بی‌انتهای که به نمایش مردمان جان دوباره می‌بخشد. موسیقی روح نمایش و نیمه‌دوم هویت یک اثر زنده صحنه‌ای است که لحظه‌های اندوه، شادی، هیجان، طعنه، طنز و تراژدی را به لطیف‌ترین و انسانی‌ترین وجه ممکن به تماشاگر منتقل می‌کند. من تاکنون در همه آثاری که برای صحنه نوشته و کارگردانی کرده‌ام، موسیقی زنده در کنارم بوده و به مدد نواز سازها، توانسته‌ام نمایش را هم به وقت نگارش و همه به وقت تمرین و اجرا پیش ببرم. از طرفی، هنرمندان خوش ذوقی در خراسان هستند که در کار ساخت موسیقی زنده صحنه‌ای صاحب سلیقه و تجربه‌اند. مهدی حسینی از جمله این جوانان خوش ذوق خراسانی است که در غالب آثار صحنه‌ای در کنارم بود و ما توانسته‌ایم در این سال‌های بسیار، ظرفیت‌ها و خواسته‌های همدیگر را بفهمیم و درک کنیم.

«ما همه اهل یک محله‌ایم» در هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر رضوی حضور یافته بود. چه شاخصه‌هایی سبب حضور یک نمایش موضوعی در جشنواره بین‌المللی فجر شده است؟

نمایش «ما همه اهل یک محله‌ایم» در واقع، در پی حمایت و پشتیبانی مدیر اداره کل هنرهای نمایشی کشور در جمع هنرمندان خراسانی به من سپرده شد. من بی‌درنگ، گروهی متشکل از هنرمندان حرفه‌ای قدیمی و جوان خلاق مشهدی را

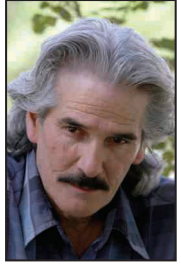
دور هم جمع کردم و مضمونی که مدت‌ها در ذهن و اندیشه داشتیم، به صورت کارگاهی و تجربی و با هم‌اندیشی آنان به نگارش در آوردم. همپای نگارش متن، با تمرین‌های مستمر و سنگین گروه، اثر را ورق به ورق پیش بردم تا شکل بگیرد و برای حضور در جشنواره هفتم تئاتر رضوی آماده شود. اما آن چه لازم است در پاسخ به پرسش شما عرض کنم این است که نمایش «ما همه اهل یک محله‌ایم» یک اثر تجربی است که محمل دغدغه‌های بی‌پایان من در راه اعتلای نمایش ملی - ایرانی است. از این رو سعی کردم گوشه‌ای از آیین‌ها و سنت‌ها و جلوه‌های بدیع نمایش ملی - ایرانی را در این کار روی صحنه ببرم. نمایش اگر چه پیامی معنوی در ذات و جوهره‌اش دارد، اما جلوه‌های تجربی نمایش آن قدر پرنگ و تماشایی است که قابلیت اجرا در جشنواره غیر موضوعی فجر را نیز دارد.

ارزیابی شما از جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر چیست؟

جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر امروز یکی از چند جشنواره معتبر در زمینه تئاتر است. این جشنواره برای هنرمندان ایرانی، عالی‌ترین پایگاه برای عرضه کوشش‌ها و خلاقیت‌های یکساله تئاتری‌شان به شمار می‌رود، آن هم در حوزه‌های گوناگون حرفه‌ای و دانشجویی. این مجموعه فرهنگی همچنین بهترین فضای ممکن برای حضور و ارائه تلاش‌های مستمر هنرمندان فعال شهرستانی است.

جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر جدا از همه ارزش‌ها، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه، نماد اعتلا و مناعت تئاتر ایران محسوب می‌شود. حضور تعیین‌کننده هنرمندان حرفه‌ای تئاتر کشور و نقش تجربیات جهانی، بدون تردید ضامن سلامت و مودت میان هنرمندان ایرانی و جهانی خواهد بود. از سویی، برگزاری بیست و هشت دوره جشنواره تئاتر فجر در ابعاد جهانی، به منزله توجه و دغدغه نظام فرهنگی کشور به پدیده پیغام‌بخش و انسان‌ساز تئاتر است.

«ما همه اهل یک محله‌ایم»، هفدهمین اثر نمایش رضا صابری است که در این دوره از جشنواره روی صحنه می‌رود. او پیش از این به عنوان نویسنده، کارگردان و طراحی صحنه در دوره‌های گوناگون تئاتر حضور داشته است. صابری، نمایش تازه خود را دارای دو لایه پنهان و آشکار می‌داند. وی سعی کرده است علاوه بر تجلی عشق و علاقه به ساحت امام هشتم (ع)، سودجویی و سوءاستفاده برخی اشخاص از وجود ایشان را به نوعی عنوان کند. پرداختن به پدیده زوارکش‌ها و واقعیت‌هایی که حول حرم امام رضا (ع) رخ می‌دهد، از جذابیت‌های این نمایش به شمار می‌آید.

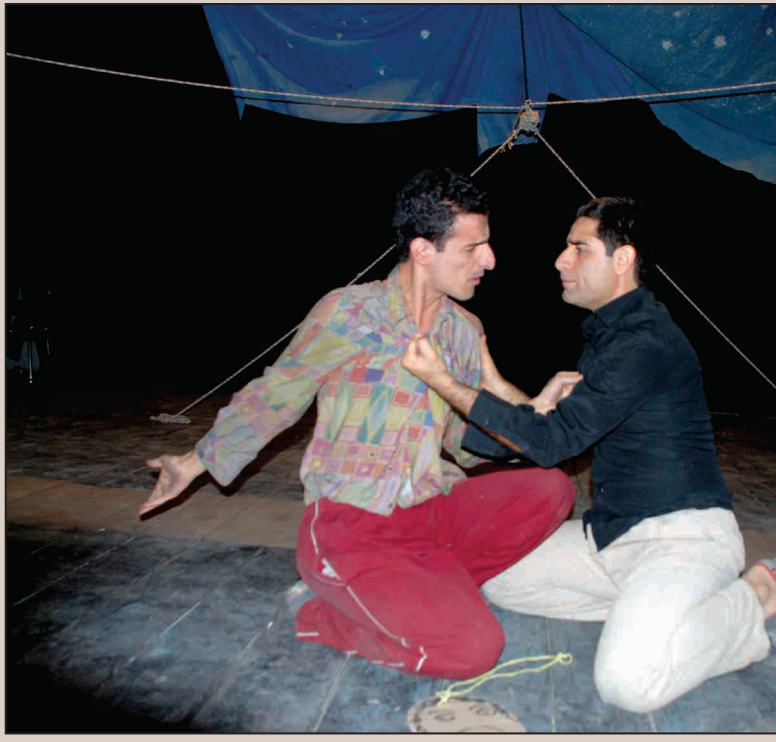


موسیقی نواحی خراسان، زنده‌ترین، لطیف‌ترین و انسانی‌ترین نواها و آواهای جغرافیای خراسان است که به هر نمایشی جان دوباره می‌بخشد

یک راوی اصلی به نام سلو (سلمان) که پسر ساده و خل‌وضعی است قصه‌ها و اتفاق‌ها را در شرایط جدی بیان می‌کند اما در واقع ماهیت طنز دارد.

لباس‌ها از جنس مردم است و به برهه‌ی زمانی که آن‌ها در این شرایط دست و پنجه نرم می‌کردند تا خودی نشان دهند، اشاره دارد. رنگ‌شناسی نیز در نمایش، ملاک است چون در صحنه عروسی پدر می‌میرد و باید مردم لباس سیاه بر تن کنند. این نوع باورهای بومی در دل قصه و درام وجود دارد و دیگر هیچ چیز جنبه تزئینی ندارد.

چهره‌پردازی نیز در این نمایش اهمیت دارد چون سن نقش‌ها از سن بازیگران بالاتر است. نور هم برای ایجاد فضاهای رئال و جادویی به کار گرفته می‌شود هر چند رگه‌های فانتزی نیز وجود دارد، می‌توان گفت این گروه انتظار دارد که تماشاگرش با تفکر سالن را ترک کند.





Mohammad-Hossein Imani-Khoshkhou, Deputy Culture Minister for Artistic Affairs

## Achievements of Festival Develop Theater



Mohammad-Hossein Imani-Khoshkhou, who has supported the festival for six consecutive years as deputy culture minister, sees participation of thespians from different cities of the country as well as progress of regional theater as a strong point.

He believes that the 28 Fajr Theater Festival is well above of previous editions in quality and quantity as well as diversity.

The official insisted that the number of individuals who are deprived of seeing plays must be reduced at a time the number of interested audiences is growing.

He reiterated that the ongoing festival is the best of all editions of the event in quality, quantity and diversity.

Views of audiences and artists as well as stories carried by media

prove this, he added.

“Generally, the Fajr Theater Festival is expected to be the peak of theater in the country.”

Imani-Khoshkhou said that the festival as the turning point of theater movement in the country has roads ahead.

Efforts should be taken to improve national theater, especially for young theater artists who have been separated from rich cultural, national and indigenous achievements and found no serious excuse and required opportunities to work on the fields.

Another point is to improve international aspect of the festival, meaning that it should open a new horizon to international events.

Deputy Culture Minister talks about effects of post-election unrest on the festival. Apart from domestic

groups, enemies of the country which couldn't tolerate development of the country found an opportunity to create obstacles in the way of progress of Iran. These enemies have wished to see a weak Iran throughout the history.

Progress of the country in any field would prevent access of enemies to this territory. Fortunately, our artists enjoy high intelligence. Festival is not a symbolic and ceremonial event. It is a place for presentation of art.

Referring to growing tendency towards theater across the country, Imani-Khoshkhou said that non-Tehrani artists are witnessing improvement in supports and facilities.

Most of plays in regional theaters are improved, problems facing halls are removed and managers of halls are prepared for performances.

Referring to a change in his official responsibility in near future, Imani-Khoshkhou said that each manager would change one day. What is the source of hope is the growing wave of art and theater. This wave has reached a place that change in management would not inflict any harm on it.

“I have no doubt that any manager would know how to move along with the wave,” Imani-Khoshkhou said.

“Insh'Allah, thanks to solidarity and assistance of thespians, they would help the government and guide it to execute its cultural policies aimed at increasing the capacity,” he said.

Referring to his management experiences in the past four-five years, Imani-Khoshkhou said that a bright picture is ahead for the country's theater.



“Sentimental Tectonics” by Sohrab Salimi

## Real Love in Schmitt’s Adaptation

Sohrab Salimi is known among theater circle as a director seeking new language in theater. He loves to introduce the world’s great dramatists to Iran theater. Salimi is staging “Sentimental Tectonics” in two sections; international competition and review of Iran theater. He seeks his own social elements in his adaptation of dramatist Eric-Emanuel Schmitt.

One of my targets is to recruit young forces with high spirit in my performances, said Salimi.

On his interest in Schmitt, he explained that he is a

French dramatist, writing in an environment which is very different from Iran’s. “But, his work is in the hand of Sohrab Salimi and I want to add my social elements to it while keeping its main theme intact.”

“I believe the description of Schmitt of love is the same all over the world,” Salimi added.

The director said, “I wanted to take a new look into this work. But I stage this play without change in the festival to see the reaction of people who have always been my main judges and I have received proper reaction from them.”



“General’s Swords” by Massoud Mousavi

## A Blend of WWII

“General’s Swords”, written by Qodrat Fathi, hinges on the World War II. A partisan group fighting against Germans is revealed. Two out of 12 fighters remain alive. The two reunite after twenty years to find the traitors.

In addition to performances, stage decoration plays an important role

in “General’s Swords”.

Lighting is carefully designed in the play, benefitting from non-electricity lights to help audience feel situation and actors.

Costumes are realistic, meaning that they are based on WWII and geographical specifications and characters.

Music is carefully selected based on the history and geography of the work, making a combination of styles.

Some songs of the World War II, translated in Persian, are heard during the performance.

The environment of performance is in a way that the audience warns

oneself, “Don’t Laugh!”

The surrounding environment is also imposed on him/her even before taking a seat.

It can be said that no time is wasted during the performance from surprising start through the end of the play, the audience would surely have a new experience.

New Experiences/Othello by Atefeh Tehrani

## When Body Talks

Atefeh Tehrani experienced her theater direction debut last year. She started her career as a director with “Read”. Tehrani’s “Nargese Siah (Black Narcissus)” has adopted an experimental approach towards performing movements. On why she chose Othello, Tehrani said that the group wanted to work on a play which includes both dialogue and movement.

“We wanted to stage language of body.”

Tehrani said that she had inclination toward a classic play with numerous performances.

“I am fond of Shakespeare. I think Othello is the most attractive among his plays because we see the peak of conflict of personalities in this play.”

She added that an individual can see love and hate, trust and distrust among the people

in this play.

On how the group made adaptation to the play, Tehrani said, “We tried to expand movement techniques. We tried many movements and increased their function,” she explained.

The group took 200 photos of the movements of which 40 were finally selected, Tehrani added. These pictures are final and have the ability to convey messages in term of aesthetics and functions.

On changes made on the play for performance, Tehrani said that some scenes on talks among court people, heads of states and war were deleted.

Other scenes which had less narration ability were also cut such as when and why Iago became jealous and why Othello wanted to take revenge.





# Ancient Greek King in South America



“Seven Against THEBES” is based on the one of the greatest ancient Greek masterpiece plays named Edipo the King. Alvaro Arcos, the Colombian director of the play said This masterpiece, despite its ancestral origin, is about warS, a topical issue like the one that has been happening for years between Iraq and EEUU, or the armed fight that has taken placed in Colombia during the last 40 years, or even family>s conflicts where at the end, is all about survival of the fittest. The play starts with a celebration, to the life, opposite to the ending, which is about death, funerals, carrying the bodies of the carved up brothers killed each other, struggling to find a grave to let them rest in peace.

This Colombian version of Edipo is going to be staged in Fajr International Theatre Festival by Cali Teatro company, a private non-profit foundation, founded by Álvaro Arcos in 1989, which aims to help with the magic of the scenic world in particular and the art in general. It is an institution made and consolidated through patient, discipline, with specific objectives and targets. Its doors are always open to theatre directors, authors, actors, actresses, musicians, dancers which come from different sectors of the city, or remote places of Colombia or the rest of the world, to those which work for a better tomorrow in order to help people seeking knowledge.

Álvaro Arcos was born in Pasto - Colombia, in 1947, after finishing secondary school, he was accepted in the Theatre College of Fine Arts of Cali - Colombia (Escuela de Teatro de Bellas Artes) from 1964 to 1970 and achieved the Diploma of Professional Studies in Dramatic Arts.

## And the greece director said

“And God Said”, a play by Greece director Avra Sidiropoulou which is going to be performed in Fajr International Theatre Festival takes place in a time-less, a-local space. It is happening within a post-apocalyptic setting, where the irredeemable catastrophe has swept away all meaning, memory and time as a shared past and imagined future. Stranded in this landscape are a man and a woman with a baby. Unable to communicate, since all the parameters of sense and of personal and interpersonal history are erased, the man and the woman hold fast onto the baby as their ultimate existential reference. The baby, who must be fed when all resources of nourishment and of sense have been pulverized, becomes the living picture of human defencelessness. A picture more than ever pregnant with meaning in the days of a nearly complete ecological dissolution of our world.

Avra Sidiropoulou - the director - is the artistic director of the not-for-profit Persona Theatre Company, which has received state subsidy by the Hellenic Ministry of Culture, as well as by the Hellenic Culture Organization, the Onassis Foundation, the Costopoulos Foundation and the European Union and through which she has directed in several theatre stages in Athens.

Persona Theater Company is made up of international artists working in the theater, dance and the visual arts. The company was founded by stage director Avra Sidiropoulou and its members have presented their work in Europe and the U.S. in close collaboration. The company was created with a view to establishing a bridge of communication between East and West, simultaneously promoting modern Greek writing abroad and making possible collaboration among artists from all over the world.





# Poster Candidates Named

The 28th Fajr International Theater Festival introduced the nominees for poster competition section of the event.

The jury of poster competition includes Ali Rafiee, Bahram Kalthornia and Massoud Sepehr.

They named eight top favorites including Homayoun Ghanizadeh for "Agamemnon," Mehdi Pakdel for "Untimely Sleep of Hourieh," Yahya Pakdel for "Rhinoceros," Hossein Ghazanchi for "Niavaran Play Reading," Amir Esmi for "Nightmares of a Coward Traitor Old Man," Reza Babajani for "A Man With Flower in Mouth," and Morteza Atabaki for "The China Wall."

The top winners of Iran section of the festival will be awarded in a ceremony to be held on January 28.



# Int'l Critics, Festival's Jury



The International Association of Theater Critics (IATC) is participating in the 28th Fajr International Theater Festival.

The association is going to judge at two sections; panorama and new experience



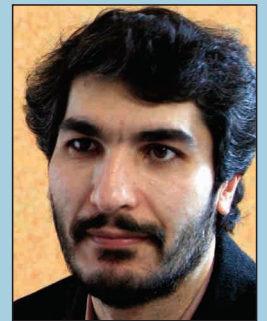
of the festival along with two members of Iran's National Critic Association.

IATC President Yun-Cheol Kim from South Korea, IATC Honorary President Ian Herbert from Britain and IATC Honorary Secretary General Maria Helena



Serôdio from Portugal as well as Mehrdad Rayani-Makshous and Mehdi Nasiri are jury members of the two sections.

The international jurors of the association will also award the best actor and actress, music, playwright and set decorators



This is for the first time in the theater festivals that IATC evaluates works in a festival and award special prizes to winners.

The festival will wrap up on Jan. 31.

# Record Reporter in Press Confab



The record of attendance of reporters in conferences of the Fajr international theater festival was broken.

The number of reporters attended the last press conference of the 28th Fajr International Theater Festival reached 210, festival's Public Relations Office reported.

The highest number of reporters who participated in press conferences of Dramatic Art Center was 150.

The new number is a record for Fajr festival.



# THEATER

24 January 2010

The 28th Fajr International Theater Festival



Dramatic Arts Center